



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 30. No 2. Summer 2023

Received date: 2023.05.15

Acceptance date: 2023.08.23



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: 20.1001.1.15601986.1402.30.2.8.3

The Role of Israel's Secret Diplomacy in Regional Relations: A Case Study of the Ibrahim Accords

Vahideh Ahmadi^۱



Abstract

Hidden diplomacy has been one of the important elements of the Israeli diplomatic system. The establishment of Israel, contrary to the legitimate and acceptable processes of nation-building, which resulted in a threatening external environment, the hostile approach of the surrounding countries, and the lack of formal diplomatic ties, is the most important reason for relying on Secret diplomacy by this regime. By promoting Secret diplomacy, Israel has been able to achieve one of the most important achievements of its regional relations, i.e. the transition from the Secret state of diplomatic relations to open diplomacy in the form of signing the Abraham Accords. This article tries to answer this question: What are the historical contexts of Secret diplomacy in Israel? What institutions and channels have promoted it? What capacities has Israel used to advance its secret diplomacy in this regard?

Keywords: Israel, Hidden Diplomacy, Ibrahim Accords, Economic Relations, UAE, Bahrain, Intelligence Services.

^۱ Faculty member of the Research Institute of Strategic Studies, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۰، شماره ۲، پیاپی (۱۱۲)، تابستان ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۱

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰,۱۰۰۱,۱,۱۵۶۰۱۹۸۶,۱۴۰۲,۳۰,۲,۸,۳

نوع مقاله: پژوهشی

نقش دیپلماسی پنهان اسرائیل در مناسبات منطقه‌ای: مطالعه موردی توافق ابراهیم

وحیده احمدی^۱



چکیده

پنهان‌کاری همواره یکی از عناصر مهم دستگاه دیپلماسی اسرائیل بوده است. تأسیس دولت بر خلاف روندهای مشروع و مقبول دولت - ملت‌سازی که محیط بیرونی تهدیدزا، رویکرد خصمانه کشورهای پیرامونی و فقدان پیوندهای رسمی دیپلماتیک را در پی داشت، مهم‌ترین دلیل اتکا به دیپلماسی پنهان از سوی اسرائیلی‌ها به‌شمار می‌رود. با پیشبرد این شیوه، اسرائیل توانسته است به یکی از مهم‌ترین دستاوردهای روابط منطقه‌ای خود یعنی گذار از وضعیت پنهان روابط دیپلماتیک به دیپلماسی آشکار در قالب امضای توافقات ابراهیم دست پیدا کند. اینکه دیپلماسی پنهان در اسرائیل از چه زمینه‌های تاریخی برخوردار بوده، توافق ابراهیم حاصل چه رویکردی در دستگاه دیپلماسی آن بوده، چه نهادها و کانال‌هایی آن را به پیش برده‌اند و اسرائیلی‌ها چه ظرفیت‌هایی را برای پیشبرد دیپلماسی پنهان خود در این رابطه به‌کار بسته، پرسش‌ها و مسائلی است که مقاله حاضر در صدد پاسخ به آنهاست. روش پژوهش به لحاظ نوع تحقیق، توصیفی - تبیینی و به لحاظ روش‌شناسی تحقیق بر مبنای نوع داده‌ها، روش کیفی است. روش گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای و اینترنتی می‌باشد.

واژگان کلیدی: اسرائیل، دیپلماسی پنهان، توافق ابراهیم، امارات، بحرین، روابط اقتصادی، سرویس‌های اطلاعاتی.

مقدمه

دیپلماسی پنهان همواره بخشی از کارنامه سیاست خارجی اسرائیل بوده است. کاربست این نوع از دیپلماسی را از لحاظ تاریخی باید قبل از تأسیس رسمی این رژیم دانست. روابط مبتنی بر دوستی و نسبت‌های خویشاوندی که نفوذ برخی از یهودیان صهیونیست در میان سیاستمداران را موجب شده بود، در حمایت دولت‌های بزرگ از تأسیس دولت یهود نقش بسزایی داشت. تجربه موفق روابط پشت پرده این‌چنینی پس از تأسیس اسرائیل نیز ادامه پیدا کرد، به گونه‌ای که اسرائیلی‌ها از آغاز تأسیس تا کنون، بارها از این مسیر برای دستیابی به اهدافی که در نگاه نخست، گزینه‌ای دشوار و دست نیافتنی می‌نمود، بهره گرفته‌اند. تأسیس اسرائیل بر خلاف روندهای مشروع و مقبول دولت - ملت‌سازی که محیط بیرونی تهدیدزا، رویکرد خصمانه کشورهای پیرامونی و فقدان پیوندهای رسمی دیپلماتیک را در پی داشت، مهم‌ترین دلیل اتکای این رژیم به دیپلماسی پنهان بوده است.

تجاوز از مرزهای ۱۹۴۸ و اشغال سرزمین‌های فلسطینی بر خلاف قوانین بین‌المللی، بر شدت رویارویی و تقابل با عرب‌ها افزود، به گونه‌ای که شناسایی این رژیم به‌عنوان یک دولت - ملت و برخورداری از روابط رسمی دیپلماتیک در منطقه به یکی از بحران‌های اسرائیل در حوزه سیاست خارجی تبدیل شد؛ این در حالی بود که رژیم اسرائیل همواره ناگزیر بوده برای حفظ و تحکیم امنیت وجودی خود، در قالب رویکردی عمل‌گرایانه، روابط خارجی نسبتاً پایداری را با بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی به‌ویژه کشورهای مسلمان در پی بگیرد. از این رو به منظور یافتن راهی با هدف کاهش تهدیدات ناشی از این رویارویی خصمانه و شکستن انزوای ناخواسته که به مانند دیوارهایی بلند این رژیم را محصور ساخته بود، کانال‌های ارتباط پنهانی با مخالفان و دشمنان دولتی و غیر دولتی خود را دنبال کرد.

آنچه که برقراری این کانال‌های ارتباطی را برای اسرائیل مهیا ساخت، نهادهای ویژه‌ای بود که این رژیم در دستگاه دیپلماسی خود ایجاد کرد و ظرفیت‌های لازم را برای کارآمدسازی این نهادها فراهم ساخت. برای اسرائیلی‌ها پیشبرد رضایت‌مندانه این ارتباط مخفیانه از طریق کانال‌های واسطه، گامی پیروزمندانه در راستای شناسایی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دولت یهودی در منطقه تلقی می‌شد.

برخی رویدادها به‌ویژه توافقی‌هایی همچون کمپ‌دیوید یا توافق اسلو که دیپلماسی پنهان اسرائیل در آنها مشهود بوده، نشان می‌دهد که این رژیم در این زمینه به صورت ماهرانه‌ای فعالیت کرده و دستاوردهای تأمل برانگیزی را در این زمینه کسب کرده است. عادی‌سازی روابط با برخی از کشورهای

عربی در چارچوب توافق ابراهیم یکی از این دستاوردها به شمار می‌آید؛ رویدادی که وقوع آن برای بسیاری در سپهر نظری و عملی سیاست، دور از تصور و غافلگیرکننده بود.

از آنجا که کشورهای عربی منطقه، حل مسئله فلسطین را پیش‌شرط عادی‌سازی روابط با اسرائیل دانسته و این مسئله در اتحادیه عرب به‌عنوان یکی از اصول بنیادین تعریف شده - که نقض آن حتی اقدامات تنبیهی همچون اخراج از این سازمان را به دنبال داشته - و از آن رو که مسئله فلسطین در مقطع کنونی به دلیل سرپیچی اسرائیل از معاهدات و توافقات بین‌المللی در این رابطه و نیز به بن‌بست رساندن مذاکرات با فلسطینی‌ها به واسطه زیاده‌خواهی، یک جانبه‌نگری و خلف وعده این رژیم، تبدیل به کلاف درهم پیچیده‌ای شده است، امضای توافق صلح عرب‌ها با اسرائیل دور از تصور بود.

به رغم آنکه بسیاری از تحلیلگران، همچنان دکترین اتحاد پیرامونی را مهم‌ترین چارچوب سیاست خارجی منطقه‌ای اسرائیل به شمار می‌آورند اما توافق ابراهیم نشان داد که روابط خارجی با عرب‌ها با جدیت در دستگاه دیپلماسی این رژیم دنبال می‌شده است. در واقع این توافق را باید نتیجه تدریجی دیپلماسی پنهان مستمر و پیوسته‌ای دانست که طی چندین دهه در دستگاه سیاست خارجی اسرائیل در قبال کشورهای عربی در جریان بوده است.

هرچند گاهی اطلاعات اندکی از روابط اسرائیل و برخی کشورهای عربی به بیرون درز یافته اما حجم عظیمی از این روابط همچنان پنهان مانده است. به رغم توافق عادی‌سازی با امارات و بحرین در چارچوب توافق ابراهیم و نیز روابط نسبتاً آشکارتر اسرائیل با کشورهایی همچون عمان و قطر، اما هنوز برخی از کشورهای عربی به دلایل مختلف از آشکارسازی هرگونه رابطه با این رژیم، اجتناب می‌ورزند. از این رو چند و چون و جزئیات دیپلماسی پنهانی که اسرائیلی‌ها برای پیوستن سایر کشورهای عربی به توافق ابراهیم در پیش گرفته‌اند، همچنان در هاله‌ای از ابهام و سؤال باقی مانده است. با وجود این، تبیین چگونگی پیشبرد دیپلماسی پنهان در روابط اسرائیل با امارات به‌عنوان سردمدار و نخستین امضاکننده توافق ابراهیم و همچنین بحرین، می‌تواند نحوه گشایش یکی از مهم‌ترین گره‌های کور در سیاست خارجی این رژیم را نشان داده و گام‌های عملی برای دستیابی به هدف در چارچوب دیپلماسی پنهان را تبیین نماید. با این هدف، مقاله حاضر در صدد پاسخ به این پرسش‌ها برآمده است: دیپلماسی پنهان اسرائیل از چه زمینه‌های تاریخی برخوردار بوده است؟ توافق ابراهیم حاصل چه رویکردی در دستگاه دیپلماسی این رژیم بوده است؟ چه نهادها و کانال‌هایی آن را به پیش برده‌اند و اسرائیلی‌ها چه ظرفیت‌هایی را برای پیشبرد دیپلماسی مخفیانه خود در این رابطه به کار بسته‌اند؟

۱. پیشینه پژوهش

درباره دیپلماسی پنهان در سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی با رویکرد تئوریک و تحلیلی انجام گرفته است. بیولا و موری در کتاب «دیپلماسی پنهان (مفاهیم، زمینه‌ها و مصادیق)» (بیولا و موری ۱۳۹۶)، ترجمه کاظم تاجیک، مهدی میرمحمدی) به مطالعات تئوریک چالشی و تجربی معتبر در مورد سنت‌ها، عملکردها، پارادایم‌ها و نهادهای دیپلماسی پنهان پرداخته‌اند. این کتاب در پی پاسخ به این سؤال اساسی برآمده که آیا «دیپلماسی پنهان هنوز نیز «کارساز» هست؟». در این اثر نویسندگان با استفاده از یک رویکرد مقایسه‌ای و روش تحلیلی، در نهایت این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کنند که شفافیت در روابط بین‌الملل نقش ویژه‌ای ایفا می‌کند؛ به‌عنوان مثال در توقف سلاح‌های هسته‌ای بسیار مهم بوده است اما اگر هزینه دیپلماسی آشکار، تضعیف امنیت ملی باشد، باید رویکردی محتاطانه در مقابل آن اتخاذ کرد. این کتاب چارچوب تئوریک جامعی برای فهم و تبیین دیپلماسی پنهان را فراهم می‌کند. علاوه بر این کتاب، مقالات «دیپلماسی‌های جایگزین و گزینش نقطه بهینه محرمانگی در مراودات دیپلماتیک» (تاجیک و همکاران، الف ۱۳۹۸) و «محرمانگی در دیپلماسی؛ تحولات و چشم‌انداز» (تاجیک و همکاران، ب ۱۳۹۸)، تلاشی از سوی یکی از مترجمان کتاب فوق و نیز نویسندگان همکار برای غنای ادبیات دیپلماسی پنهان در جامعه آکادمیک کشور بوده است؛ اگرچه نمی‌توان حجم بالای همپوشانی محتوای این مقالات با کتاب بیولا و موری را نادیده گرفت.

مقالات دیگری نظیر «ماهیت و ابعاد دیپلماسی پنهان در تنگنای مناظره محرمانگی - شفافیت؛ با تأکید بر نقش سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی» (قادری و نظامی‌پور، ۱۴۰۱) و «تبیین نسبت میان اطلاعات و دیپلماسی در سیاست خارجی مردم‌سالار؛ با تأکید بر مفهوم دیپلماسی پنهان» (قادری کنگاوری، الف ۱۴۰۲) نیز در این حوزه به نگارش درآمده که هرچند از کتاب و مقالات پیش گفته تأثیر بسیاری پذیرفته اما نویسندگان تلاش داشته‌اند دیپلماسی پنهان را به موضوع اطلاعات و سازمان‌های اطلاعاتی پیوند داده و جایگاه نظارت بر آن را بسنجند.

بر خلاف تعدد پژوهش‌های در پیوند با دیپلماسی پنهان - که البته تعداد پژوهش‌های انجام شده در این خصوص را نمی‌توان بالا شمرد - پژوهش‌های مربوط به دیپلماسی پنهان رژیم صهیونیستی تعداد بسیار اندک‌تری را شامل می‌شود. کتاب‌های «دیپلماسی‌های پنهان اسرائیل» (۱۴۰۱) نوشته کلایو جونز و تور تی پترسون، «دیپلماسی پنهان اسرائیل در کشورهای عربی» (۱۳۸۸) نوشته امین مصطفی و «دیپلماسی

پنهان اسرائیل در پاکستان» (۱۳۸۲) نوشته پی.آر.کوماراسومی مهم‌ترین کتاب‌هایی هستند که به فارسی ترجمه شده‌اند. در این میان مرتضی قانون نیز کتاب «دیپلماسی پنهان: جستاری در روابط ایران و اسرائیل در عصر پهلوی» را در سال ۱۳۸۱ به نگارش درآورده است که منبعی غنی برای بررسی روابط دیپلماتیک ایران قبل از انقلاب با رژیم صهیونیستی به شمار می‌آید. بر خلاف کتاب امین مصطفی و نیز کوماراسومی که رویکرد توصیفی و تاریخی صرف در کنار مطالب و محتوای قدیمی، ارزش علمی آنها را تحت شعاع قرار داده و جایی برای کنکاش در آنها باقی نمی‌گذارد، کتاب جونز و پیترسون با رویکرد تبیینی - تحلیلی دقیق‌تر، منبعی غنی از سیر تکوینی دیپلماسی پنهان اسرائیل را فراهم کرده است. در این کتاب که برگزیده‌ای از مقالاتی درباره سیاست خارجی و روند دیپلماسی در اسرائیل، نهادهای مؤثر در پیشبرد دیپلماسی پنهان و روند آن در قبال کشورهای هم‌چون مصر، سوریه، ترکیه، سودان و... است، به جایگاه پنهان کاری و محرمانگی در دیپلماسی این رژیم و تدابیر دیپلمات‌ها و افسران اطلاعاتی اسرائیل برای فرصت‌سازی در منطقه پرداخته است. هرچند این کتاب از آن رو که در سال ۲۰۱۴ به نگارش درآمده، نتوانسته به چگونگی پیشبرد دیپلماسی پنهان منتج به توافق ابراهیم بپردازد، اما چارچوبی فراگیر و تقریباً جامع برای تبیین سیر تاریخی دیپلماسی پنهان اسرائیل با تمرکز بر نمونه‌های مهم سیاسی است.

جدا از کتاب‌های فوق، مقالاتی نیز با موضوع روابط اسرائیل با کشورهای عربی به نگارش درآمده که بعد پنهان روابط دیپلماتیک این رژیم با کشورهای امضا کننده توافق ابراهیم را مد نظر قرار داده است. مقاله «اسرائیل و کشورهای پیرامونی؛ نفوذ امنیتی با پوشش اقتصادی» (احمدی: ۱۳۹۶)، یکی از پژوهش‌هایی است که به جایگاه اقتصاد و روابط امنیتی و اطلاعاتی در دیپلماسی پنهان اسرائیل در مقابل کشورهای عربی حوزه خلیج فارس پرداخته، اگرچه بیش از آنکه به چگونگی پیشبرد دیپلماسی پنهان منتج به توافق ابراهیم بپردازد، به الگوهای اقتصادی و امنیتی غالب بر دیپلماسی پنهان این رژیم پرداخته است. از مقالات دیگری نظیر «چشم‌انداز صلح خاورمیانه در سایه عادی‌سازی روابط اسرائیل و جهان عرب» (۱۳۹۹)، «تبیین پیامدهای رابطه اسرائیل و امارات متحده عربی بر امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران» (دهقانیان و همکاران، ۱۴۰۰)، «دیپلماسی صلح عبری - عربی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» (اختیاری امیری، ۱۴۰۰)، «چشم‌انداز صلح خاورمیانه در سایه عادی‌سازی روابط اسرائیل و جهان عرب» (ملکی و محمدزاده، ۱۳۹۹) و... می‌توان یافته‌های درخوری درباره توافق

ابراهیم و پیامدهای آن به دست آورد؛ با وجود این، چگونگی پیشبرد این روابط در قالب دیپلماسی پنهان، مسئله اصلی این پژوهش‌ها نبوده است.

۲. دیپلماسی پنهان؛ چیستی، اهداف و سیر تاریخی

دیپلماسی روشی برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی، بقا و امنیت ملی است و در نهایت می‌توان آن را در تعریفی سستی کاربرد هوش و تدبیر در حوزه روابط کشورهای مستقل معنی کرد. به طور خلاصه می‌توان آن را شکل‌دهی مراودات میان کشورها از طریق ابزارهای صلح‌آمیز دانست (Satow, 1957: 1) به نقل از بیولا و مری، ۱۴۰۱: ۳۲). هرچند شکل دیپلماسی در تاریخ دگرگون شده است اما کارکردهای دیپلماسی کم و بیش پایدار مانده و در چند قالب «نمایندگی»، «گزارشگری»، «روشن کردن چگونگی منافع»، «حفظ منافع» و «توسعه منافع» در نشیب و فراز زمان ثابت مانده است. هدف و هسته اصلی دیپلماسی را باید جمع‌آوری و انتشار اطلاعات مرتبط با اهداف راهبردی دانست که بدون آن هیچ‌یک از کارکردهای دیگر امکان‌پذیر نخواهد بود. نیاز به تعامل با دیگران برای تأمین نیازهای امنیتی، اقتصادی و منزلتی را دلایل بقای دیپلماسی بر می‌شمارند (سجادپور، ۱۳۸۹: ۲۴۴-۲۴۵ و بیولا و مری، ۱۴۰۱: ۳۲).

پیدایش دیپلماسی را باید با پویشی که طی تاریخ و به‌ویژه تحولات معاصر داشته است، واریسی کرد. آنچه در این سیر تاریخی اهمیت بسیار دارد، جایگزینی دیپلماسی به جای جنگ به‌مثابه شکل اصلی کنش و واکنش در عرصه اختلافات دولت‌ها بوده است به گونه‌ای که دیگر جنگ وسیله اصلی حل اختلافات پنداشته نمی‌شود و به جای آن، دیپلماسی و مراجعه به راه‌های دیپلماتیک، قاعده اصلی تعامل بین کشورها در حوزه حل اختلاف است. ظهور تکنولوژی فراگیر و در پی آن جهانی شدن ارتباطات که کانون‌های رقیب برای وزارت خارجه‌ها را پدید آورد، ورود بازیگران غیر دولتی و پیدایی مفهوم دیپلماسی چند سهم‌داری^۱ و اهمیت یافتن دیپلماسی چند جانبه که در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز معاهدات بین‌المللی نمود داشته و همچنین سامانه قدرت در نظام بین‌المللی، از جوهی است که پویش دیپلماسی در جهان معاصر را به پیش برده، پوشش دیپلماتیک را به لحاظ کمی و کیفی به صورت چشمگیری گسترده‌تر کرده و قالب‌های جدیدی به تحرکات و ابتکارات دیپلماتیک داده است (سجادپور، ۱۳۸۹: ۲۴۸). در این قالب‌های جدید، اشکال مختلف دیپلماسی اعم از دو جانبه یا چند

جانبه، رسمی یا غیر رسمی، عمومی یا خصوصی و محرمانه یا گرفته و تعاملات میان کشورها بر اساس آنها شکل گرفته است. دیپلماسی پنهان، یکی از مهم‌ترین این اشکال است که همواره مورد مناقشه بوده و مخالفت‌ها و مخالفان زیادی را علیه خود برانگیخته است؛ اگرچه موافقان بسیاری را نیز داشته که این نوع از دیپلماسی را برای امنیت ملی و بقای کشورها امری اجتناب‌ناپذیر دانسته و بر سودمندی آن برای اهداف دیپلماسی پای فشرده‌اند (بیولا و مری، ۱۴۰۱: ۱۷-۲۰ و ۴۲-۴۳؛ تاجیک و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶۴-۱۶۵ و تاجیک و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۹-۱۸۲).

به باور بریج و جیمز پژوهشگران حوزه دیپلماسی که «لغت‌نامه دیپلماسی»^۱ را به نگارش درآورده‌اند، دیپلماسی پنهان می‌تواند در موارد [پنهان بودن] محتوای مذاکرات، [پنهان بودن] اصل وجود مذاکرات، [پنهان بودن] محتوای توافق و در نهایت [پنهان بودن] خود توافق، به کار رود (Berridge & James, ۲۰۰۳: ۲۳۹ به نقل از بیولا و مری، ۱۴۰۱: ۵۴؛ تاجیک و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۶ و قادری کنگاوری، ۱۴۰۲: ۱۲۴-۱۳۱). این نوع از دیپلماسی در شرایطی شکل می‌گیرد که طرف‌های مذاکره یا حداقل یکی از آنها با مخالفت‌های شدیدی با موضوع مورد مذاکره در داخل کشور خود مواجه هستند. در این شرایط، دولت‌مردان برای کاهش مخاطره‌های شکست مذاکرات دیپلماتیک به روش دیپلماسی پنهان متوسل می‌شوند (Stasavage: 2004 به نقل از قادری کنگاوری، ۱۴۰۲: ۱۳۰). به عبارت دیگر، دیپلماسی پنهان ابزاری با کاربرد وسیع، استراتژیک و تاکتیکی در اختیار کشورهاست که در مناقشات پردامنه و ستیزه‌جویانه کاربرد فراوان دارد و به‌ویژه در مواردی مورد استفاده قرار می‌گیرد که هیچ‌یک از طرف‌های بحران به دلیل ترس از ضعیف به نظر رسیدن یا از دست رفتن محبوبیت خود، مایل به قبول شکست در منظر عموم نیستند. این شکل از دیپلماسی، به دور از چشم رسانه‌ها و در پشت درهای بسته انجام شده و اسامی مختلفی به آن داده می‌شود که دیپلماسی خاموش،^۲ دیپلماسی کانال پستی^۳ و دیپلماسی پشت درهای بسته^۴ برخی از این اسامی هستند. «احتمالاً به دلیل ماهیت محرمانه دیپلماسی پنهان است که از سوی کسانی که از جزئیات آن مطلع نیستند، به‌خصوص طرفداران دسترسی آزاد به

۱ A Dictionary of Diplomacy

۲ Quiet Diplomacy

۳ Backchannel Diplomacy

۴ Back-door Diplomacy

اطلاعات^۱ و حامیان آزادی‌های مدنی^۲ و همچنین فعالان رسانه‌ای که به دنبال شفافیت بیشتر در حوزه امور بین‌المللی هستند، به‌عنوان عملی شیطانی، نامیمون و غیر اخلاقی انگاشته می‌شود (بیولا و مری، ۱۴۰۱: ۴۰).

همسان با پویش‌های تاریخی دیپلماسی، رویکردهای مختلفی نیز در قبال دیپلماسی پنهان پا گرفته است. پس از معاهده وستفاليا دیپلماسی به لحاظ نظری کاملاً آرمان‌گرایانه شد، اما در اجرا کاملاً با پنهان کاری عجین بود. در این دوره، پنهان کاری چه در مذاکراتی که برای انعقاد معاهدات انجام می‌شد و چه در جریان کنفرانس‌های بین‌المللی نه تنها مفید و مناسب، بلکه در بسیاری موارد ضروری شناخته می‌شد، به طوری که بدون محرمانگی مذاکرات، برخی از معاهدات اساساً به سرانجام نمی‌رسیدند (Low, ۱۴-۲۱۲: ۱۹۱۸ به نقل از بیولا و مری، ۱۴۰۱: ۳۷). اگرچه ویلسون رئیس‌جمهور وقت آمریکا، هم‌نوا با یونانیان باستان به بهترین شکل دیپلماسی پنهان را از اعتبار انداخت و اعلام کرد که هیچ‌گونه توافق پنهانی نباید در جریان مذاکرات منتهی به معاهده ورسای انجام شود، اما زودتر از آنچه تصور می‌کرد مشکلات عملی موجود بر سر راه چنین رویکردی را متوجه شد (بیولا و مری، ۱۴۰۱: ۳۸). وی در مواجهه با کنفرانس طولانی و بی‌ثمر پاریس مجبور شد از وعده‌اش مبنی بر برگزاری یک «کنفرانس باز و شفاف» عدول کرده و به قدرت‌های بزرگ اجازه دهد که کنترل روندهای این کنفرانس را در دست گرفته و تمام مذاکرات را در جریان ملاقات‌هایی که پشت درهای بسته شکل گرفت، ساماندهی کنند (Bjoa, 2016: 130 به نقل از تاجیک و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۴).

دوران جنگ سرد فرصتی برای قدرت‌های بزرگ بین‌المللی بود تا محرمانگی و پنهان کاری را به سطوحی کم‌سابقه ارتقا دهند. هر یک از طرف‌ها، بیشترین تلاش برای دستیابی به محرمانه‌های طرف مقابل را سامان دادند و از پیشرفته‌ترین ابزار برای این هدف بهره جستند و در مقابل، استفاده از هر ابزاری برای جلوگیری از دستیابی طرف مقابل به اسرار خود را مشروع شمردند (تاجیک و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۵). حال آنکه پس از پیشرفت‌هایی که متعاقب جنگ جهانی دوم در زمینه موشکی، راداری، کامپیوتری و ماهواره‌ای انجام شد، تقاضا برای ارتش‌های تخصصی، عملیات اطلاعاتی فنی و «جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از روش‌های ماهواره‌ای، رهگیری امواج رادیویی، رمزشکنی، عکس‌برداری پنهانی و دیگر روش‌های جاسوسی» بالا گرفته بود به گونه‌ای که سفارتخانه‌های کشورها،

۱- Hacktivists

۲- Civil libertarians

نقاط کلیدی و مرکز اتصال شبکه‌های اطلاعاتی، جاسوسی و دیپلماتیک بودند. به تعبیر هرمن، «هرچند در درب ورودی و قسمت پذیرش سفارتخانه‌ها این دیپلمات‌ها هستند که مراجعان را می‌پذیرند، اما این افسران اطلاعاتی هستند که در پشت پرده سفارتخانه‌ها حضور دارند» (Herman, 2007: 7) به نقل از بیولا و مری، ۱۴۰۱: ۳۹).

پنهان کاری و محرمانگی که ماهیت دیپلماسی پنهان بر آن بنا گذاشته شده، از سطوح مختلفی برخوردار است. از نظر پائول شارپ محرمانگی در سه سطح راهبردی، عملیاتی و رسمی شکل می‌گیرد. پنهان کاری راهبردی که نمونه آن ائتلاف‌های میان قدرت‌های بزرگ در سال ۱۹۱۴ است. این نوع از پنهان کاری شبیه مواردی است که بریج و جیمز در خصوص پنهان بودگی محتوای مذاکرات، محتوای توافق‌ها و خود توافق‌ها مطرح می‌کنند. پنهان کاری عملیاتی که مربوط به روابط روزمره دیپلمات‌ها یا به طور کلی انسان‌ها است. این نوع از محرمانگی شبیه مواردی است که بریج و جیمز در خصوص پنهان بودن مذاکرات بیان می‌کنند و علاوه بر آن در بر گیرنده پنهان کردن عامدانه برخی دیگر از انواع روابط دیپلماتیک نیز هست. منظور از پنهان کاری رسمی نیز اعلام نکردن یا پذیرش رسمی وقوع یک رویداد، به رغم افشا یا اعلام غیر رسمی آن است (تاجیک و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۷۶ و بیولا و مری، ۱۴۰۱: ۵۴-۷۱).

۳. دیپلماسی پنهان در اسرائیل

دیپلماسی پنهان یکی از سنت‌های همیشگی اسرائیل بوده که بر اساس منافع حیاتی و الزامات هر دوره‌ای به انحای مختلف آن را به پیش برده است. مهاجرت و ارتباط با دیاسپورای یهودیان در کشورهای دیگر و فراهم نمودن شیوه‌های انتقال آنها، دیپلماسی نفتی، تلاش برای پیشبرد دکتین اتحاد پیرامونی و در نهایت حفظ امنیت وجودی اسرائیل مهم‌ترین مقاصدی بوده که این رژیم را ناگزیر به پیشبرد دیپلماسی پنهان کرده است. شناخت محیط امنیتی و شناسایی راهبردهای موجود برای پیشبرد منافع حیاتی در گزینش دیپلماسی پنهان اسرائیل نقش تعیین کننده‌ای داشته است.

رویکرد اسرائیل به دیپلماسی پنهان ریشه در نهادهای پیش از تأسیس آن همچون آژانس یهود دارد که با هدف دستیابی به موضع موافق بازیگران سیاسی در قبال تأسیس این رژیم و نیز کمک به تثبیت آن، مطالبات خود از طرف مقابل را دنبال می‌کردند. آژانس یهود به عنوان مهم‌ترین نهادی که بسترهای لازم را برای تأسیس اسرائیل فراهم می‌کرد، در دوره قبل از تأسیس، مذاکره و بده‌بستان‌های سیاسی با بازیگران مؤثر اعم از دولت‌های بزرگی همچون انگلیس و نیز دولت‌های منطقه‌ای همچون اردن را به

پیش برد که با توجه به شرایط، حساسیت‌ها و الزامات موجود در مسیر دولت‌سازی، محرمانه ماندن آنها ضرورت پیدا می‌کرد.

در ابتدای دهه ۱۹۳۰ و تا آغاز جنگ جهانی دوم، آژانس یهود که در سال ۱۹۲۹ به‌عنوان یک مرجع نیمه دولتی برای کمک به تشکیل دولت یهود در فلسطین تشکیل شده بود، روابط نزدیکی را با نخبگان سیاسی اردن برقرار کرد. هرچند روابط یهودیان و عرب‌های فلسطینی در کرانه غربی رود اردن به صورت فزاینده‌ای پر تنش می‌شد اما زمینه مناسبی برای مذاکره و گفتگو در کرانه شرقی آن پیدا شده بود. در این میان دو طرف تلاش داشتند زوایا، روند و اهداف این رابطه را مخفی کرده و این «اتحاد خاموش» را که هماهنگی‌های سیاسی، معاملات تجاری و حتی دوستی‌های شخصی^۱ را شکل داد، از چشم ناظران دور نگاه دارند (Alon, 2014: 31).

این روابط تقریباً مخفیانه همسو با اهداف آژانس یهود به پیش رفت به گونه‌ای که با افزایش درگیری میان فلسطینی‌ها و یهودیان، پادشاه اردن و نخبگان سیاسی این کشور همچنان متمایل به حفظ رابطه خود با جنبش صهیونیستی بودند. حتی در بحران اقتصادی دهه ۱۹۳۰، برخی از رؤسای قبایل زمین‌دار و سوسه شدند که اجاره یا فروش زمین‌های خود را به یهودیان پیشنهاد دهند (Alon, 2014: 32).

آژانس یهود در جنگ جهانی دوم نیز، با نگاه به مصلحت‌های آن زمان به‌ویژه نگرانی از موضع انگلیس در قبال تأسیس اسرائیل و مسئله فلسطین و نیز با توجه به بی‌اعتمادی انگلیس^۲ به کارگزاران پروژه تشکیل دولت یهودی، همکاری مخفیانه‌ای را با این کشور به پیش برد. به رغم آنکه آژانس یهود ظرفیت

۱ - روابط آژانس یهود و عبدالله بن حسین پادشاه اردن متضمن منافع دو جانبه بود. پادشاه اردن حاکمیت بر اردن که در سال ۱۹۲۱ با حمایت انگلیسی‌ها به وی داده شده بود را کافی نمی‌دانست و همواره بر فلسطین و بخش بزرگی از سوریه طمع داشت. از همین رو به دنبال آن بود که رضایت صهیونیست‌ها برای قلمروگستری خود را به دست آورد. آژانس یهود نه تنها با این مسئله موافقت نکرد بلکه در راستای اهداف صهیونیسم حاکمیت بر سرزمین‌های حاصل‌خیز اردن را نیز جزو برنامه‌های بلند مدت خود قرار داده بود. با این حال وابستگی مالی و سیاسی عبدالله به بریتانیا و رقابت فزاینده با رهبران جنبش ملی فلسطین به‌عنوان فرصت‌های موجود، توجه آژانس یهود را به خود جلب کرده بود. در واقع صهیونیست‌ها اردن را به‌عنوان یک سرمایه سیاسی به شمار می‌آوردند (Alon, 2014).

۲ - تلاش برای مهاجرت دادن یهودیان کشورهای دیگر در جریان مراحل چهارم و پنجم «عالیا» که فلسطین تحت قیمومیت انگلیس بود و پیامدهایی همچون اعتراض عرب‌ها را برای این کشور به همراه داشت، از دلایل این بی‌اعتمادی بود.

تولیدی جامعه یهودی در فلسطین را به‌ویژه در تولید منسوجات، تولید کابل‌های برقی و سایر لوازم جنگی مورد نیاز برای تجهیز نیروهای انگلیسی در جنگ به کار گرفت، اما نگرش آنها به آژانس یهود در قالب یک «ساختار نوپای پیشا دولتی»، با آمیخته‌ای از شک و تردید همراه بود. با وجود این، انگلیس به واسطه کارایی و همسویی آژانس با منافع خود، حساب این سازمان را از بیشتر جنبش‌های ملی‌گرا که خواهان جدایی از استعمار این کشور بودند، جدا می‌کرد. روابط پنهانی آژانس یهود با مقامات مهم اطلاعاتی انگلیس در خلال جنگ جهانی دوم به این سازمان در تقویت پیوندهای فراملی خود کمک بسیاری کرد. آژانس یهود در بهره‌گیری از منابع محدود خود بسیار موفق ظاهر شد و البته به بزرگ‌نمایی اهمیت مشارکت خود در جبهه متفقین بیش از آنچه وجود داشت، پرداخت (Jones, 2014: 49-51).

همکاری مخفیانه با انگلیسی‌ها درس‌ها و آموزه‌های بسیاری را عاید نخبگان سیاسی یهودی کرد و مخزنی از تجربه و تخصص را برای آنها به ارمغان آورد که در تأسیس دولت یهود و شکل‌دهی به دیپلماسی پنهان اسرائیل در دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم بسیار ارزشمند واقع شد (Jones, 2014: ۶۶). پس از تأسیس اسرائیل، دیپلماسی پنهان طیفی از روابط محتاطانه^۱، روابط پشت درهای بسته^۲ و روابط کاملاً مخفیانه^۳ را شامل شده است.

اسرائیل معمولاً مذاکرات حساس را در قالب دیپلماسی محتاطانه به پیش می‌برد. به رغم تلاش برای حفظ محتوا و موضوعات گفتگوی دو جانبه، این نوع از دیپلماسی به‌ندرت از چشم رسانه‌ها یا بازیگران دولتی و غیر دولتی ذی‌نفع، پنهان می‌ماند. مذاکره با فلسطینی‌ها، برخی مذاکرات با روس‌ها در بحران سوریه، مذاکرات با کشورهای آسیای مرکزی به‌ویژه آذربایجان^۴ اغلب در چارچوب دیپلماسی محتاطانه به پیش رفته است. هرچند دیپلماسی پنهان و محتاطانه هر دو برای پیگیری اهداف خاص امنیتی دنبال می‌شوند اما دیپلماسی پنهان برای اسرائیل به خودی خود از ارزش ذاتی برخوردار بوده است. بر این اساس رابطه با دیاسپورای یهودی همچون عملیات فرش جادویی که یهودیان را از کوه‌های یمن در سال ۱۹۴۸ به سرزمین فلسطین آورد یا انتقال یهودیان از سارایوو در دهه ۱۹۹۰ جزء مواردی بوده که به ذات خود ارزش داشته و هدف دیگری را دنبال نمی‌کرده است (Jones, 2014: 5).

۱ Discreet Diplomacy

۲ Back-door Diplomacy

۳ Secret Diplomacy

۴ - یک آمریکایی به نقل از الهام علی‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان روابط اسرائیل با این کشور را به مانند کوه یخ توصیف کرده که نه دهم آن زیر زمین است.

اسرائیل در تلاش برای شکستن انزوای منطقه‌ای و با هدف عادی‌سازی تدریجی روابط گاه ناگزیرانه به دیپلماسی پشت درهای بسته تن داده است. «دیپلماسی در پشت درهای بسته» به معنای انجام روابط رسمی مجاز اما پنهان‌کارانه میان دولت‌های دوست و با سطح پایین نمایندگی رسمی دیپلماتیک بین دو کشور، در شرایطی بوده که از سویی روابط دیپلماتیک کامل به‌عنوان یک امکان وجود نداشته و از سوی دیگر چالش‌های روابط کاملاً پنهانی مانند رسوایی عمومی، نوسانات سیاسی و تأثیرگذاری خارجی بیشتر از همکاری رسمی میان دو طرف بوده است. اسرائیل در برخی مواقع ناچار بوده دیپلماسی پشت درهای بسته را به‌عنوان نقطه شروع رابطه دنبال کند با این امید که با گذشت زمان این روابط چارچوب فرم و قالب خود قرار بگیرد. ترکیه بعد از بحران کانال سوئز تا اواخر دهه ۱۹۶۰ از اینکه روابط خود با این رژیم را مطابق با واقعیت بازنمایی کند^۱ یا سطح روابط دیپلماتیک را به تبادل سفیر ارتقا دهد، امتناع می‌کرد. اصطلاح «دیپلماسی پشت درهای بسته» برای توصیف چنین رابطه‌ای مطرح شد. اصرار ترکیه برای اینکه روابط خود با اسرائیل را پنهان نگاه دارد به گونه‌ای بود که نخست‌وزیر این رژیم در این باره گفته بود: «ترک‌ها به مانند یک معشوقه پنهان با ما رفتار می‌کنند نه به مانند کسی که در یک روابط آشکار قرار دارد». با این حال صهیونیست‌های منزوی و آسیب‌پذیر دهه ۱۹۵۰ به توسعه همکاری با ترکیه احتیاج داشتند و برای این کار چاره‌ای جز تسلیم به پیش‌شرط پنهان کاری در این روابط نداشتند (Schonmann, 2014: 99).

بر خلاف این روند، گاه این اسرائیل بوده که بر پنهان کاری در روابط دیپلماتیک خود اصرار داشته است. روابط اسرائیل با آلمان غربی تا قبل از برقراری روابط دیپلماتیک رسمی در سال ۱۹۶۵ که شاهد

۱ - ترکیه یک سال بعد از بحران سوئز یعنی در سال ۱۹۵۷ به این رژیم برای همکاری چراغ سبز نشان داد. در دهه ۱۹۶۰ ملاقات‌هایی میان نخست‌وزیران، وزرای امور خارجه، رؤسای سرویس‌های مخفی طرفین برگزار شد و پروتکل‌های همکاری اقتصادی میان آنها امضا شد. ضمن اینکه برنامه‌هایی برای همکاری اقتصادی در زمینه آب، نفت، توسعه صنعتی، امور مالی و توریسم ترسیم شد. دیپلمات‌های ترکیه و اسرائیل در پایتخت‌های غربی از منافع یکدیگر حمایت کردند، آرای آنها در سازمان ملل با یکدیگر هماهنگ بود و در کل کارزارهای موازی را در دیپلماسی خود به پیش می‌بردند. این روابط چنان نزدیک بود که نقشه‌های اقدام مشترک نظامی ترسیم شد، تکنولوژی‌های صنعتی - نظامی به اشتراک گذاشته شد و همکاری‌های اطلاعاتی در جریان بود. با این حال فعالیت‌های مذکور عمدتاً از چشم مردم دور نگاه داشته می‌شد. در طول این دهه که نزدیکی دو کشور در جریان بود، روابط رسمی در سطح بسیار پایینی قرار داشت و اغلب کاردارها در رأس هیأت‌های دیپلماتیک در خفا روابط را نمایندگی می‌کردند.

بیش از یک دهه فعالیت آن دو در زمینه پرداخت غرامت، پروژه‌های توسعه زیربنایی و معاملات مخفی سلاح بود یا روابط اسرائیل با آفریقای جنوبی که دو طرف بعد از جنگ ۱۹۶۷ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ از عادی‌سازی روابط دیپلماتیک خودداری می‌کردند، نمونه‌هایی از تمایل اسرائیل برای پنهان ماندن روابط دیپلماتیک بوده است (Schonmann, 2014: 100).

توجه به سیگنال‌های حاکی از قصد و نیت طرف مقابل برای برقراری رابطه (تماس با مصر در دهه ۱۹۶۰) (Yahel, 2016: 6-8)، وجود کانال‌هایی برای انتقال پیام‌های محتاطانه (افسران اطلاعاتی در روابط با آلمان غربی تا قبل از سال ۱۹۶۵) (Belkin, 2007: 3-4) و همچنین شناسایی فرصت‌های رابطه در شرایط امتناع طرف مقابل از برقراری تماس‌های مخفیانه (روابط دانشگاهیان اسرائیلی با نمایندگان سازمان آزادی‌بخش فلسطین که به توافق اسلو انجامید)، پایه‌های اصلی دیپلماسی پنهان اسرائیل را تشکیل داده است (Jones, 2014: 4).

در این میان، شناخت دقیق خصیصه‌ها، رویکردها، ویژگی‌ها، نقاط قوت و نقاط ضعف طرف مقابل در پیشبرد موفق دیپلماسی پنهان اسرائیل بسیار تأثیرگذار بوده است. به‌عنوان نمونه فساد در سیستم سیاسی ایران در دوره پهلوی، یکی از فرصت‌هایی بود که به این رژیم در برقراری دیپلماسی پنهان نفتی کمک کرد. شناسایی دقیق این مسئله موجب شد تا موساد ورود موفق به سیاست و جامعه ایران داشته باشد و از آن دستاوردهای مهمی همچون همکاری با ایران در قاچاق یهودیان عراق به فلسطین قبل از تشکیل دولت یهود را پیش ببرد (Bialer, 2014: 83). توافق اسرائیل با ایران نه تنها منبع غنی از نفت را در اختیار آن گذاشت بلکه به توسعه بندر ایلات در دریای سرخ به‌عنوان یک مخزن بزرگ نفتی کمک کرد. ورود به دیپلماسی پنهان با ایران در سال ۱۹۵۰ و نیز دنباله‌روی از این سیاست در سال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۵۷ به منظور تأمین امنیت انتقال ذخایر نفتی از ایران، از مهم‌ترین دلایل موفقیت دیپلماسی پنهان نفتی اسرائیل ذکر شده است (Bialer, 2014: 68).

دیپلماسی پنهان اسرائیل همچنین گاه مبتنی بر دستورالعمل‌های امنیتی در چارچوب دکترین اتحاد پیرامونی و با بهره‌گیری از معضلات و مسائل بازیگران دولتی و به‌ویژه غیر دولتی - که برخی از آنها

۱ - دیپلماسی نفتی اسرائیل در سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۷ مبتنی بر بستن توافقی‌نامه‌هایی با ایران و روسیه از الگوی دیپلماسی پنهان پیروی می‌کرد به گونه‌ای که گفته می‌شود تا اواخر دهه ۱۹۹۰ حتی در میان بسیاری از لایه‌های سیاسی و اجتماعی این رژیم نیز پنهان مانده بود.

قبلاً دشمن این رژیم به شمار آمده‌اند - به پیش رفته است. اسرائیل در دهه ۱۹۵۰ آفریقا و به‌ویژه سودان را راهی برای عبور از روی دیوار عرب‌ها^۱ و عنصری مهم در کمربند امنیتی پیرامون خود می‌دانست. علاوه بر این حمایت مخفیانه از سلطنت‌طلب‌ها در جنگ داخلی یمن در دهه ۱۹۶۰، فالانژهای مسیحی در لبنان، کردهای عراق در دهه ۱۹۷۰ و نیز دیپلماسی پنهان با سودان از این چارچوب پیروی کرده است (Ronen, 2014: 153).

۴. توافق ابراهیم؛ زمینه‌ها و پیشران‌ها

توافق ابراهیم^۲ به صورت رسمی برای نخستین بار توسط دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در تاریخ ۲۳ مرداد ۹۹ (۱۳ آگوست ۲۰۲۰) برای اشاره به بیانیه مشترک این کشور، اسرائیل و امارات متحده عربی به کار گرفته شد. سیاست‌های آمریکا و طرح «معامله قرن»، را باید یکی از متغیرهای اصلی در توافق ابراهیم قلمداد کرد. ترامپ رئیس‌جمهور وقت آمریکا و مقامات وابسته به دولت وی، یکی از راه‌های حل منازعه تاریخی فلسطینی‌ها و اسرائیل را عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با اسرائیل می‌دانستند. آنها معتقد بودند با عادی‌سازی روابط، از یک سو فشار کشورهای عربی بر اسرائیلی‌ها کاهش پیدا خواهد کرد و از سوی دیگر این کشورها از سیاست‌های تند و سنتی خود در برابر خواسته‌های اسرائیل عدول خواهند کرد، به این ترتیب زمینه برای صلح دو طرف فراهم خواهد شد (اختیاری امیری، ۱۴۰۰: ۳۸-۳۹).

هرچند گفتگوها و مذاکرات جدی برای تنش‌زدایی میان رژیم اسرائیل و امارات متحده عربی با وساطت آمریکا در سال ۲۰۱۹ به صورت پنهانی در جریان بود اما پس از آنکه نتانیاهو نخست‌وزیر وقت این رژیم تصمیم جدی خود را برای الحاق سرزمین‌های کرانه باختری اعلام کرد، وقایع با فوریت و سرعت بیشتری به پیش رفت (Ravid, 2020.08.13). حساسیت طرح الحاق سرزمین‌های کرانه باختری به گونه‌ای بود که در صورت عملیاتی شدن، روند عادی‌سازی روابط امارات با اسرائیل به دلیل پیچیده‌تر شدن مسئله فلسطین باید متوقف می‌ماند زیرا نه تنها التزام این کشور به طرح صلح عربی عربستان صراحتاً نقض می‌شد بلکه این کشور را در دوراهی دشوار و پرهزینه‌ای قرار می‌داد. از همین رو امارات بیانیه‌ای شدیدالحن منتشر و در آن با طرح الحاق مخالفت کرد. این کشور همچنین به صورت محرمانه به اسرائیلی‌ها این پیام را انتقال داد که طرح ضمیمه‌سازی شهرک‌ها و سرزمین‌های بیشتر کرانه باختری،

^۱ Leaping over the Arab wall

^۲ Abraham Accord

آرزوی عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی خلیج فارس را بر باد خواهد داد. در پی این قضایا، یوسف عتیبه سفیر امارات در آمریکا به جارد کوشنر مشاور ارشد ترامپ و آوی برکوویتز نماینده ویژه کاخ سفید در مذاکرات بین‌المللی، پیشنهاد عادی‌سازی روابط با این رژیم به شرط کنار گذاشتن طرح الحاق را داد؛ پیشنهادی که موافقت فوری هیأت حاکمه اسرائیل را در پی داشت. در هفته‌های بعد این مسئله ابعاد جدی‌تری به خود گرفت. کوشنر چندین بار با شاهزاده محمد بن زاید ولی عهد امارات در این باره گفتگو کرد. وی و آوی برکوویتز، همچنین بیش از ۲۰ بار با رون درمر سفیر اسرائیل در آمریکا و همتای امارتی وی ملاقات کردند. در این میان، بیانیه‌ای که تلفنی مورد توافق نتانیاها، ترامپ و ولی عهد امارات قرار گرفت تا لحظات آخر محرمانه ماند به گونه‌ای که حتی اعضای کابینه نتانیاها نیز از آن بی‌خبر بودند (Ravid, 2020.08.13).

در نهایت در ۲۵ شهریور ۱۳۹۹ (۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰) امضای توافق‌نامه‌های ابراهیم توسط عبدالله بن زاید آل نهیان وزیر امور خارجه امارات، عبداللطیف بن راشد الزیانی وزیر خارجه بحرین، بنیامین نتانیاها نخست‌وزیر اسرائیل و دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در کاخ سفید صورت گرفت. این سند اولین توافق عادی‌سازی اسرائیل با کشورهای عربی منطقه، بعد از توافق با مصر در سال ۱۹۷۹ و اردن در سال ۱۹۹۴ بود. رئیس‌جمهور آمریکا که تلاش داشت عادی‌سازی روابط کشورهای عربی موسوم به توافق ابراهیم با اسرائیل به‌عنوان دستاوردهای دیپلماتیک در کارنامه وی ثبت شود، چندی بعد یعنی در آبان ماه ۹۹ از عادی‌سازی روابط سودان و اسرائیل خبر داد. سودان که در ازای این توافق از فهرست کشورهای حامی تروریسم آمریکا حذف و از کمک‌های اقتصادی این کشور و نیز بخشش بخشی از بدهی‌های خود به بانک جهانی بهره‌مند شد، در دی ماه ۹۹ توافق ابراهیم را امضا کرد. این توافق را نصرالدین عبدالباری وزیر دادگستری این کشور و استیون منوچین، وزیر خزانه‌داری آمریکا در خارطوم، پایتخت سودان به امضا رسانیدند.^۲ در سال ۲۰۱۶ رژیم صهیونیستی طی تماس با آمریکا و دیگر کشورهای غربی آنها را ترغیب کرد تا در پی قطع روابط ایران و سودان، گامی در جهت بهبود روابط با سودان برداشته شود. در سال ۲۰۲۰ بنیامین نتانیاها و عبدالفتاح البرهان رئیس شورای حاکمیت سودان در اوگاندا ملاقات کردند و در آنجا گام‌های اول عادی‌سازی روابط برداشته و در اواخر همان ماه به

۲- Avi Berkowitz

۲ - بر خلاف دیپلماسی پنهان با عرب‌ها که به سه دهه گذشته باز می‌گردد، این رژیم و سودان دو فصل دیگر از دیپلماسی پنهان را در کارنامه روابط سیاسی خود داشته‌اند.

هوایمهای اسرائیلی اجازه پرواز بر فراز سودان داده شد (این در حالی بود که کابینه سودان پس از آن، اعلام کرد که رئیس‌جمهور این کشور هیچ تعهدی مبنی بر عادی‌سازی روابط نداده و این دیدار یک ابتکار شخصی بوده است). چند ماه بعد هوایمهای حامل تیم پزشکی اسرائیل جهت درمان و انتقال نجوا گاده‌آلدام، یکی از دیپلمات‌هایی که در روابط پنهانی سودان و این رژیم، چهره‌ای کلیدی به شمار می‌رفت و ترتیب ملاقات دو طرف را در اوگاندا داده بود، در خارطوم به زمین نشست (Timesofisrael, 2020.05.28).

با از سرگیری روابط میان اسرائیل و مراکش در اواخر آذر، این کشور چهارمین کشوری که به توافق ابراهیم پیوسته، قلمداد شد. این دو، تا قبل از سال ۲۰۰۰، روابط سطح پایین و غالباً مخفیانه‌ای را تجربه کرده بودند که در پی اقدام این رژیم به سرکوب فلسطینی‌ها، از سوی مراکش قطع شده بود. آمریکا در ازای امضای این توافق، ادعای مالکیت مراکش بر صحرای غربی^۱ را به رسمیت شناخت. بوتان پنجمین کشور و البته شاید کم اهمیت‌ترین کشوری بود که عادی‌سازی روابط آن و اسرائیل به‌عنوان حلقه دیگری از زنجیر توافق‌نامه‌های ابراهیم تعریف شد.^۲ توافق‌نامه عادی‌سازی بین سفرای دو کشور در هند در اواخر سال ۲۰۲۰ امضا شد (سالنمای امنیت ملی پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۴۰۰: ب: ۳۷۹-۳۸۲).

امضای توافق ابراهیم، فصل جدید و پر باری از دستاوردهای دیپلماتیک منطقه‌ای را برای اسرائیل به ارمغان آورد. بیشترین این دستاوردها در روابط دیپلماتیک جدید با امارات حاصل شد به گونه‌ای که بلافاصله پس از امضای توافق، تمام تحریم‌های این رژیم به صورت رسمی از سوی خلیفه بن زاید آل نهیان حاکم ابوظبی لغو شد. اولین پرواز مستقیم سه ساعته از تل‌آویو به امارات در چارچوب «پرواز تجاری»، آن هم با مجوز استفاده از حریم هوایی عربستان، انجام گرفت. این در حالی بود که موافقت اسرائیل برای فروش هوایمهای اف۳۵ به امارات، سیر عادی‌سازی روابط میان این دو را سرعت داده بود. در دیدار هیأت اماراتی در بیست و نهم مهر ماه ۹۹ از این رژیم که با حضور آمریکایی‌ها صورت

۱ - مراکش این اراضی را در پی خروج اسپانیا و در جریان درگیری‌های میان جبهه پولیساریو با مراکش و موریتانی تصاحب کرده بود. اتحادیه کشورهای آفریقا با شناسایی استقلال صحرای غربی، جبهه پولیساریو را به عضویت خود پذیرفتند که این اقدام، اعتراض مراکش و ترک این اتحادیه از سوی آن را منجر شد.

۲ - در پی جایگاه حاشیه‌ای بوتان در روابط بین‌المللی، این کشور با واشینگتن، روابط رسمی دیپلماتیک ندارد در حالی که پیمان ابراهیم بر مبنای میانجی‌گری آمریکا شکل گرفت.

گرفت، قراردادهایی در زمینه هوانوردی غیر نظامی، لغو روادید و همکاری‌های علمی بین دو طرف امضا شد. پروازهای مستقیم بین تل‌آویو و دبی، گشایش رسمی سفارت اسرائیل در ابوظبی و همچنین همکاری‌های دو طرف در حوزه‌های تجاری، علمی، سینما، ورزش، صنعت گردشگری و... به سرعت به پیش رفت. اسرائیل چنین دستاوردهایی را از قبل پیوند با سایر کشورهای امضا کننده توافق ابراهیم نظیر بحرین نیز به دست آورد.

دانه‌های توافق ابراهیم در تحولات منطقه موسوم به بهار عربی کاشته شد. زنجیره اعتراضات داخلی که به صورت جدی حکومت بسیاری از دولت‌های شکننده منطقه را تهدید کرده بود، حاکمان کشورهای عربی را به این نتیجه رساند که منشأ تهدیدات امنیتی را نه از بیرون بلکه در داخل مرزهای کشورشان جستجو کنند. در این میان، برگ برنده به اسرائیل تعلق گرفت زیرا به زعم حاکم کشورهای عربی، غفلت آنها از تهدید گروه‌های مخالف و معترض داخلی، ناشی از تمرکز زیاده از حدشان بر درگیری سیاسی با اسرائیل بوده است (Alterman, 2020.08.14). در همین چارچوب، این تصور که اسرائیل عامل بی‌ثباتی در منطقه بوده، خلاف تجربه خاورمیانه دانسته شد و به جای آن، این نگاه که اسرائیل «هیچ نقشی در سرنگونی حکومت‌های مصر و تونس یا فروپاشی سوریه، یمن، عراق و نیز ظهور داعش نداشته و در مقابل، کشورهایی که به مخالفت با این رژیم مشهور هستند، بیشترین آتش‌افروزی‌ها را در منطقه انجام دادند»، تبدیل به تصویر غالب در میان حاکمان محافظه‌کار منطقه شد (Lake, 2020.08.15). از این رو بحران‌های نشأت گرفته از اعتراضات داخلی که یکی پس از دیگری، سر برآورده و خودکامگی چندین دهه‌ای حاکمان عرب را نشانه رفته بود، حکم برائت از تنش‌زایی و تشنج در منطقه را برای اسرائیل به ارمغان آورد. این در حالی بود که کشورهای عربی در جریان خیزش‌های منطقه‌ای و انقلاب‌های عربی احساس نیاز بیشتری به سیستم‌های پیشرفته دفاعی و نظارتی برای مقابله با اعتراضات احتمالی شهروندان خود پیدا کرده بودند. تجربه رژیم اسرائیل از این نظر که ۵۱ سال استعمار فلسطینی‌ها را در کارنامه خود داشت و قابلیت‌های اسرائیل در این رابطه (Rehman, 2020, 71)، وسوسه نزدیکی به این رژیم را برای حاکمان هراسیده از موج تحولات، بیشتر از هر زمان دیگری کرده بود. این شواهد نشان از آن داشت که عرب‌ها سایه تحقیر، شکست در جنگ‌های ۱۹۴۹، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ را از سر خود برداشته و از دریچه متفاوتی که نمایانگر آرزوهای بلندپروازانه برای اتحادها و ائتلاف‌های جدید و نیز جاه‌طلبی‌های تسلیحاتی، نظامی و اقتصادی بود و با انگیزه تثبیت هرچه بیشتر موقعیتشان، به تحولات پیرامونی خود می‌نگریستند.

در حالی که بی‌اعتمادی، نوسانات و تحولات سریع منطقه‌ای تنش بین دولت‌ها را افزایش داده بود، اسرائیل و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، نگرانی‌های امنیتی مشترک و چشم‌انداز مشترکی در مورد مناسبات منطقه پیدا کرده بودند. آنها با اسلام سیاسی مخالف بوده و در مورد دموکراتیزاسیون در منطقه و نتایج آن، تردید داشتند (Lake, 2020.08.15). ایران به‌عنوان تهدید امنیتی مشترک میان آنها تعریف شده بود در حالی که در قبال حماس، اخوان المسلمین و داعش در سوریه نیز دیدگاه مشترکی داشتند و آنها را تهدید علیه منافع خود می‌دیدند (Rehman, 2020: 72).

اسرائیلی‌ها از فرصت فقدان دیپلماسی کارآمد ایران در مقابل کشورهای عربی^۱ به نفع خود بهره گرفته و از هراس حاکمان عرب از اعتراضات و تحولات داخلی برای تحکیم پایه‌های ایران هراسی در میان آنها سود می‌جستند. از این رو می‌توان گفت روابط پنهان میان اسرائیل و عرب‌ها بعد از انقلاب‌های عربی متأثر از سه مؤلفه گسترش یافت. نخست، نقش ایران در ژئوپلیتیک خاورمیانه به‌ویژه پس از سال ۲۰۱۱، نیاز فزاینده کشورهای عربی خلیج فارس به سیستم‌های پیچیده امنیتی و نظارتی برای کنترل شهروندان خود و سوم، کاهش نفوذ گروه‌های حامی اسرائیل و لابی‌های صهیونیستی در روابط واشینگتن با کشورهای عربی^۲ (Brookings.Edu, 2019.01.29).

تلاش دونالد ترامپ و تیم وی در کاخ سفید برای تنش‌زدایی میان کشورهای عربی منطقه و اسرائیل یکی دیگر از مؤلفه‌های پیش‌ران در امضای توافق ابراهیم بود. علاوه بر مذاکرات پشت پرده دولت ترامپ با کشورهای عربی و ترغیب و تطمیع آنها برای برقراری رابطه آشکار با اسرائیل، در دوره وی دیدارهای دیپلماتیک رسمی میان برخی مقامات اسرائیلی و کشورهای امضاکننده توافق ابراهیم در چارچوب نشست‌های مختلف به صورت محسوسی گسترش پیدا کرده بود. همچنین مقامات رسمی این رژیم و

۱ - در حالی که رژیم صهیونیستی از شائبه‌هایی همچون تجاوز ایران به بحرین، نفوذ به شبه جزیره عربستان از طریق حزب‌الله، توسعه‌طلبی در استان شرقی شیعه‌نشین عربستان که برای کشورهای عربی دیدگاه‌های مشترک امنیتی ایجاد کرده بود، به نفع منافع و اهداف خود در راستای ایران هراسی بهره می‌گرفت، روابط دیپلماتیک با کشورهای عربی روز به روز تیره‌تر شد. این به معنای باز شدن هرچه بیشتر فضا برای نزدیکی اسرائیل و کشورهای عربی بود.

۲ - در دیدگاه کشورهای عربی روابط آنها و آمریکا همواره تحت شعاع گروه‌های بانفوذ حامی اسرائیل قرار داشته است؛ افراد و گروه‌های بانفوذی که در قبال عرب‌ها بی‌اعتماد بودند و در کاخ سفید و واشینگتن نفوذ بالایی داشتند به گونه‌ای که سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا از آنها تأثیر زیادی می‌پذیرفت. از این رو به زعم آنها نزدیکی به رژیم صهیونیستی مسئله مانع تراشی و سنگ‌اندازی این گروه‌ها در مقابل این دولت‌ها را تا حدود زیادی از میان بر می‌داشت.

کشورهای عربی در چندین رویداد سیاسی به صورت آشکار در کنار یکدیگر حضور یافتند که به نظر می‌رسد با گفتگوهای مشترک دو جانبه و چند جانبه در مورد عادی‌سازی روابط همراه بوده است. در بهار ۹۸ در کارگاه دو روزه «صلح برای رفاه»، که نشست اقتصادی طرح موسوم به «معامله قرن» در منامه بود، مقامات میان‌پایه کشورهای عربی شرکت کننده همچون عربستان، بحرین، مراکش، مصر و اردن در کنار مقامات آمریکایی و روزنامه‌نگاران و تجار اسرائیلی حضور یافتند. هرچند این نشست دستاورد چندانی به دنبال نداشت و نه تنها فلسطینی‌ها بلکه اروپایی‌ها و حتی کشورهای عربی و خود جناح‌های داخلی اسرائیل اقبالی به آن نشان ندادند اما برگزاری این نشست، اولین گام عملی برای بازی دادن این رژیم در مسئله فلسطین از سوی عرب‌ها با هدایت آمریکا بود. در این نشست، سنت دیرینه منطقه مبتنی بر انحصار تصمیم‌گیری در مورد قضیه فلسطین برای کشورهای عربی و فلسطینی‌ها کنار گذاشته شد. هرچند قبل از این نیز آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها از طرف‌های اصلی میانجی در مسئله فلسطین بودند اما نقش رژیم اسرائیل در نشست اخیر به گونه دیگری تعریف شد. این رژیم از مسئله و «طرف معامله» با عرب‌ها به «همراه» عرب‌ها برای حل مسئله، تبدیل شده بود. ضمن اینکه در اتفاقی بی‌سابقه، یک نشست دیپلماتیک آشکار با حضور اسرائیلی‌ها و دیپلمات‌های عرب در کنار یکدیگر در یک کشور عربی برگزار شد. حضور آشکار اسرائیل در کنار عرب‌ها، نه تنها از انگاره «سازش ناپذیری با اسرائیل تا حل مسئله فلسطین» اعتبارزدایی کرد بلکه سیگنال‌های صریحی برای عادی‌سازی روابط تلقی شد که در آمادگی افکار عمومی برای رویدادهای بعدی تأثیرگذار بود و از همین رو به صورت ذاتی ارزش قابل توجهی برای طرفین داشت. رافائل آهرن یکی از خبرنگاران اسرائیلی در سفر به منامه برای شرکت در این نشست می‌نویسد: «در بحرین اولین مصاحبه با خالد بن احمد آل خلیفه وزیر خارجه بحرین را انجام دادم که به راحتی گفت «اسرائیل از کشورهای خاورمیانه است و «اینجا ماندنی است»، مقامات رسمی در بحرین از اینکه از واژه «اسرائیل» استفاده کنند، طفره نمی‌رفتند و هیچ نشانه‌ای مبنی بر اینکه کسی از این مسئله ناراضی است، به چشم نمی‌خورد. در جریان این نشست، برای ما خبرنگاران اسرائیلی امتیازات ویژه‌ای در نظر گرفته شده بود. به ما کارت‌هایی داده بودند که دسترسی به تمام اتاق‌های مذاکره را امکان‌پذیر می‌ساخت (Ahren, 2019.06.29 و احمدی، ۱۳۹۹: ۱۰۱-۱۱۱؛ احمدی، ۱۳۹۸: ۸۹-۱۰۱).

هرچند اسرائیل و دولت وقت آمریکا در پی آن بودند که توافق ابراهیم را زنجیره‌ای از توافقی‌نامه‌های عادی‌سازی با کشورهای مختلف تعریف کنند اما اصلی‌ترین و مهم‌ترین پایه‌های توافق ابراهیم بر روی

کشورهای امارات و بحرین بنا شد. امضای توافق ابراهیم از سوی امارات و بحرین به عنوان کشورهای عربی خلیج فارس به واسطه نقش آفرینی منطقه‌ای این دو و جایگاه استراتژیک آنها در توازن منطقه و نیز تأثیر آن بر مناسبات سایر کشورهای عربی با اسرائیل از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. رویدادها و تحولاتی که متناوب عادی سازی روابط این دو کشور با تل آویو به وقوع پیوست، الگوی روابط خارجی در منطقه را از نو تعریف کرده و بر این اساس قواعد بازی را برای تمام بازیگران منطقه تغییر داد. با برداشتن این دیوار همسایگانی که زمانی بنیامین نتانیاهو آنها را «همسایگان سرسخت» توصیف می کرد، به «دوستان و متحدان بالقوه» این رژیم تبدیل شدند (احمدی، ۱۴۰۱: ۱۳۵-۱۴۷ و احمدی، ۱۳۹۹: ۱۰۱-۱۱۱). از این رو دیپلماسی پنهان اسرائیل در قبال این دو کشور مهم جهان عرب به عنوان زیربنای اصلی این توافق، آموزه های راهبردی قابل ملاحظه ای را در پیشبرد این نوع دیپلماسی در موارد مشابه نشان می دهد.

۵. دیپلماسی پنهان در توافق ابراهیم؛ ظرفیت ها و کانال ها

روزنامه ها آرتص پس از امضای توافق ابراهیم از سوی امارات و بحرین و اعلام عادی سازی روابط با این کشور در یکی از سرمقاله های خود نوشت: «به منظور آماده سازی بستر مناسب این توافق، ۲۵ سال تلاش دیپلماتیک در جریان بود. هرچند این توافق، اغلب به عنوان یکی از دستاوردهای شخصی رهبران و امضا کنندگان توصیف می شود اما بسیاری از افراد با پیشبرد راهبردها و روندهای مختلف تلاش کرده اند مسیر را برای آنچه در کاخ سفید روی داد، هموار کنند» (Landau, 2020.09.04). اینکه توافق ابراهیم حاصل تلاش های مستمر دیپلماتیک در یک فرایند طولانی بوده، پیش فرضی بدیهی است اما مسئله آن است که بسیاری از جوانب این دیپلماسی مخفیانه دو دهه ای همچنان در هاله ای از ابهام باقی مانده و اطلاعات مربوط به آن اندک و ناقص است.

از سویی اسرائیل افشای جزئیات دیپلماسی پنهان در توافق ابراهیم را در چارچوب منافع خود نمی بیند زیرا در صورت افشای آن، به کار گیری این شیوه در مقابل سایرین با مانع روبه رو خواهد شد و از سوی دیگر عرب ها که برخی از آنها همچنان به پیشبرد این نوع دیپلماسی با اسرائیل گرایش دارند، درج اطلاعات مربوط به آن را در چارچوب مصالح خود نمی دانند. با این حال ظرفیت هایی که این رژیم را قادر به انجام این مسیر کرده و نیز کانال هایی که از طریق آنها این دیپلماسی به کار گرفته شده است، بسیاری از قالب های این پنهان کاری دیپلماتیک را روشن می سازد. بر اساس یافته هایی که در

ادامه به آنها خواهم پرداخت، به نظر می‌رسد می‌توان ظرفیت‌ها و کانال‌های اصلی دیپلماسی پنهان اسرائیل در توافق ابراهیم را این گونه برشمرد:

- توانمندی‌های اقتصادی، اطلاعاتی و نظامی اسرائیل به‌مثابه ظرفیت‌هایی کارآمد در پیشبرد دیپلماسی پنهان این رژیم به کار گرفته شده‌اند.

- نخبگان عمل‌گرا شامل نخبگان سیاسی به‌ویژه دیپلمات‌های حرفه‌ای و افسران اطلاعاتی، نخبگان اقتصادی از جمله بازرگانان و شرکت‌های مهم فعال در اسرائیل، نخبگان حوزه تحقیقاتی و پزشکی، نخبگان حوزه سایبری و حتی نخبگان مدنی نظیر ورزشکاران مهم‌ترین کانال‌هایی بوده‌اند که نخبگان فکری در وزارت خارجه و دستگاه تصمیم‌گیری این رژیم، گام‌های تدریجی دیپلماسی پنهان را از طریق آنها برداشتند.

- مقامات رسمی و افراد بانفوذ آمریکایی به‌عنوان واسطه و میانجی، با نخبگان عمل‌گرا همراهی سازنده‌ای داشته‌اند. ضمن اینکه اسرائیل نیز به خوبی توانسته از روابط راهبردی خود با آمریکا به‌مثابه یکی از سرمایه‌های دیپلماتیک برای پیشبرد روابط با کشورهای عربی بهره برد.

- شناسایی مستقیم و بی‌واسطه اولویت‌های سیستم سیاسی و ساختار تصمیم‌گیری، نیازها و علاقمندی‌های حوزه اقتصادی و ادراک جامع فرهنگ، انگاره‌ها، رویکردها و قواعد حاکم بر سیستم اجتماعی کشور هدف، از سوی دیپلمات‌های حرفه‌ای که عهده‌دار انباشت تجربیات در این زمینه‌ها و انتقال به ساختار تصمیم‌گیری هستند، از مهم‌ترین راهبردهایی بوده‌اند که دیپلماسی پنهان اسرائیل را به نتیجه رسانده است.

- انعطاف‌پذیری هوشمندانه، گام‌های تدریجی و در عین حال دوراندیشانه و بهره‌گیری از فرصت‌های تصادفی^۱ از مهم‌ترین چارچوب‌هایی بوده که اسرائیل در پیشبرد دیپلماسی پنهان با کشورهای عربی، خود را متعهد به اجرای آنها کرده به گونه‌ای که همواره رویکردی منعطف و سازش‌محور را در قبال نحوه روابط و نیز حوزه‌های همکاری با طرف مقابل برگزیده

۱ - به‌عنوان نمونه اسرائیل از فرصت‌های تصادفی همچون کرونا برای پیشبرد روابط خود با عرب‌ها استفاده زیادی کردند و از آن با عنوان «کاتالیزور در حوزه همکاری‌های اقتصادی» سخن می‌گویند.

است. عرب‌ها از این رویکرد، سیگنال‌های مماشات و دلجویی از سوی «دشمن» را ادراک می‌کردند؛ دشمنی که در صدد جبران عملکرد خود برآمده است.

● افسران اطلاعاتی در پیشبرد روابط امنیتی در چارچوب دیپلماسی پنهان اسرائیل همواره نقش برجسته‌ای داشته‌اند به گونه‌ای که به‌عنوان مشاوران و معتمدانی خبره در گشایش روابط غیر امنیتی به‌ویژه روابط اقتصادی به وزارت خارجه این رژیم کمک‌های قابل توجهی ارائه داده‌اند.

● دفتر هماهنگی وزارت خارجه^۱ که مسئول ارتباط با آن دسته از کشورهای عربی و اسلامی است که با اسرائیل روابط رسمی ندارند (ایلیاو بنیامین در کسوت رئیس وقت آن، اطلاعات ارزشمندی از چگونگی پیشبرد دیپلماسی پنهان توسط این نهاد را افشا کرد) و نیز واحد ویژه‌ای در موساد با عنوان «تی‌ول»^۲ که عهده‌دار ارتباط با سرویس‌های اطلاعاتی و وزارتخانه‌هایی است که از گسترش روابط رسمی با این رژیم امتناع می‌کنند، دو نهاد مسئول و پرنفوذ در ارتباط با پیشبرد دیپلماسی پنهان در قبال کشورهای امضا کننده توافق ابراهیم بوده‌اند.

بر اساس این گزاره‌ها می‌توان برآورد زیر را از کانال‌ها و ظرفیت‌های دیپلماسی پنهان رژیم اسرائیل در منطقه ارائه داد:

شناخت دقیق حساسیت‌های موجود در منطقه و تلاش برای کنترل آنها از سوی تصمیم‌گیران و کنشگران اسرائیلی به منظور رفع خلأها و کاستی‌های پیمان کمپ دیوید و عادی‌سازی روابط با اردن مهم‌ترین کارکرد وزارت خارجه در دیپلماسی پنهان منطقه‌ای این رژیم بوده است. نخبگان سیاسی در اسرائیل همواره این انتقاد را به رویکرد این رژیم در قبال روابط با مصر و اردن مطرح کرده‌اند که چون توافق با ساختار سیاسی این کشورها، صرفاً از کانال‌های امنیتی به پیش رفته، در نتیجه از حوزه‌های مدنی غفلت شده و مقبولیت این رژیم در حوزه عمومی این دو کشور همچنان به‌عنوان مسئله باقی مانده است. از این رو بر خلاف روابط با مصر و اردن که صرفاً مقامات نظامی و امنیتی آن را پیش بردند، وزارت امور خارجه اسرائیل به موازات فعالیت ساختارهای اطلاعاتی و امنیتی در پیشبرد روابط پنهان با امارات و بحرین، نقش مهمی را عهده‌دار شد و روابط غیر نظامی پرباری را ایجاد کرد. با این همه،

^۱ Ministry's Coordination Bureau

^۲ Tevel

افسران اطلاعاتی موساد را باید نخستین کانال‌های مؤثر برقراری روابط پنهانی با عرب‌ها به شمار آورد. سرویس‌های اطلاعاتی این رژیم از آغاز تأسیس تا کنون بر سیاست خارجی آن تأثیرگذاری بسیاری داشته یا به زعم برخی حتی باید گفت بر سیاست خارجی آن سایه انداخته‌اند.

به نقل از یوسی ملمان که به‌عنوان یکی از تحلیلگران برجسته شناخته می‌شود، اولین تماس‌های اسرائیل با امارات مبتنی بر روابط امنیتی بوده که در دهه ۱۹۷۰ آغاز شده است و از آن زمان تا کنون رؤسای موساد با نمایندگان سرویس‌های اطلاعاتی امارات رابطه داشته‌اند. در سال ۲۰۱۱ نیز که جریان ناآرامی‌ها به بحرین کشیده شد، برای نخستین بار ویکی لیکس ارتباط بحرینی‌ها با موساد را بر اساس اظهارات پادشاه بحرین با سفیر آمریکا در سال ۲۰۰۵، افشا کرد (Melman, Haaretz, 2011.04.08). آموزش پلیس ضد شورش بحرین از سوی این رژیم و نیز ورود نیروهای ویژه برای مقابله با اعتراضات در این کشور، از دیگر شواهد روابط امنیتی پنهانی این دو قلمداد می‌شود، هرچند صحت و کذب این اخبار را نمی‌توان اثبات کرد (Almasdarnews, 2017.02.13).

افسران موساد نه تنها هدایت روابط امنیتی با کشورهای عرب حوزه خلیج فارس را بر عهده داشته‌اند بلکه انتقال دهنده اطلاعات مؤثری برای ورود نخبگان غیر امنیتی به دیپلماسی پنهان این رژیم بوده‌اند. اکثریت افسران اطلاعاتی پس از آنکه از سرویس موساد خارج می‌شدند، در بخش دیگری که مربوط به داد و ستدهای تجاری - امنیتی بوده، مشغول به کار می‌شدند با این هدف که تجربه‌های قبلی را به منظور ایجاد و گسترش روابط تجاری به کار بسته و راه‌هایی برای فروش کالا و خدمات به امارات بیابند (Hendrix, 2020.08.14).

با وجود این، هماهنگی میان سرویس‌های اطلاعاتی از یک سو و وزارت امور خارجه این رژیم از سوی دیگر در تمام مراحل پیشبرد روابط پنهانی منتج به توافق ابراهیم در جریان بوده است. با هماهنگی‌های اطلاعاتی و اجرایی این دو نهاد، شرکت‌های اسرائیلی در سال ۲۰۱۱، ۳۰۰ میلیون دلار فناوری نظامی به امارات متحده فروختند که امارات از این تجهیزات برای محافظت از چاه‌های نفتی خود استفاده کرد (Mohamed, 2017.03.31). همچنین وزارت خارجه این رژیم طی دوره روابط پنهانی خود با امارات در حدود ۵۰۰ شرکت اسرائیلی را وارد بازار امارات کرد که بسیاری از آنها شرکت‌هایی در حوزه فناوری دفاعی مانند نرم‌افزارهای جاسوسی گروه «ان‌اس‌ا» بودند (Landau, 2020.09.04; Middleeastmonitor, 2020.10.14).

با همه ملاحظه‌کاری‌هایی که اسرائیل ناگزیر بود در رابطه با کشورهای عربی داشته باشد، از ظرفیت‌های اقتصادی خود به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ستون‌های دیپلماسی پنهان، بهره بسیاری گرفته است. همچون مصر و اردن که همکاری‌های اقتصادی با اسرائیل را برای تسهیل هر چه بیشتر روابط اقتصادی با آمریکا جزو منافع استراتژیک خود می‌دانند، قابلیت‌های بالای اقتصادی این رژیم، به منزله بستر جذابی برای پیشبرد دیپلماسی پنهان با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، به کار گرفته شد. نخبگان اقتصادی از مهم‌ترین کانال‌های پیشبرد روابط مخفیانه میان اسرائیل و کشورهای عربی بودند: «تجار ثروتمند و بانفوذ به تصمیم‌گیران ما گفتند باید جلو برویم و به ما کمک کردند تا با شرکت‌های آنجا ارتباط برقرار کنیم. ما به ایجاد زیرساخت‌ها اعتقاد داریم و آنها این زمینه را برای ما آماده کردند». ایلایو بنیامین^۱ رئیس دفتر هماهنگی وزارت امور خارجه نیز در این باره می‌نویسد:

«همه چیز از توافق اسلو شروع شد. وقتی شیمون پرز به ما گفت که درهای جهان عرب را باز کنید. آن زمان بود که تماس‌ها شروع شد. ما آرام و بی‌سر و صدا به لطف دیپلمات‌های ارشد، شروع به گفتگو با آنها در واشینگتن، نیویورک و ابوظبی کردیم و یک تیم اختصاصی برای این کار ایجاد شد. در ابتدا همه فعالیت‌ها اقتصادی بود که البته جدا از مقاصد اقتصادی، با هدف گسترش حوزه‌های دیپلماتیک صورت می‌گرفت. در سال ۲۰۰۲ وقتی آنها به دنبال برگزاری یک نمایشگاه بورس الماس در دبی بودند و بورس الماس امارات گان را به‌عنوان الگوی کاری انتخاب کردند، پیشرفت غیرمنتظره‌ای در این راه برای ما به وجود آمد. ما در این باره گفتگوهای بسیاری با آنها انجام دادیم و ده‌ها تن از بازرگانان اسرائیلی در آنجا شروع به کار کردند. این یکی از اولین لنگرهای ما در آنجا بود به گونه‌ای که در این رویداد سالانه می‌توان تعداد زیادی از اسرائیلی‌های حتی مذهبی را در آنجا دید. ما همچنین در حوزه توسعه کشاورزی و آب آنها سرمایه‌گذاری کردیم» (Landau, 2020.09.04).

ورود نخبگان اقتصادی به بازارهای کشورهای عربی، روندی تدریجی و مبتنی بر شناخت حوزه‌های مورد علاقه و نیز رعایت محدودیت‌های موجود بود. به‌عنوان نمونه هویت بازرگانان اسرائیلی طی سفر به کشورهای عربی باید پنهان می‌ماند، از این رو ترتیب سفر افراد مد نظر با گذرنامه دوم به کشورهای عربی داده می‌شد. جاناتان مدود^۲ مدیر اجرایی یک صندوق سرمایه‌گذاری در بیت‌المقدس که در دهه ۲۰۰۰، رفت و آمد زیادی به امارات داشت و چندین شرکت در این کشور از جمله در حوزه آهنگ‌های

^۱ Eliav Benjamin

^۲ Jonathan "Jon" Medved

زنگ تماس تصویری را راه‌اندازی کرد و قراردادهای مختلف دیگری با چندین شرکت اماراتی به امضا رساند، در این باره می‌گوید: «در آن زمان تنها اسرائیلی‌هایی که گذرنامه دوم از کشوری غیر از اسرائیل را داشتند، چنین سفرهایی را انجام می‌دادند و تعداد معاملاتی که در آن زمان سالانه انجام می‌شد، اندک بود». حال آنکه هویت واقعی آنها میان نخبگان اقتصادی و نیز مقامات بلند مرتبه سیاسی کشور میزبان آشکار بود. این پنهان کاری صرفاً به منظور احتیاط و ملاحظات لازم برای اجتناب از ایجاد حساسیت در بین لایه‌های اجتماعی و گاه مخالف، اجرا می‌شد (Hendrix, 2020.08.14).

در کنفرانس هرتزلیای ۲۰۱۷، از نقش اقتصاد در روابط با عرب‌ها با عنوان «محور امنیتی در مقابل صلح اقتصادی»، نام برده شد که مبتنی بر آن «کشورهای عربی به اقتصاد، فناوری و تکنولوژی اسرائیل نیاز داشته و اسرائیل در مقابل می‌تواند آنها را تبدیل به دوستان امنیتی خود کند». این ایده در روابط پنهانی با امضا کنندگان توافق ابراهیم، نقش برجسته‌ای داشت. قبل از این نیز گام‌های عملی مؤثری همچون به کار گیری شرکت‌ها و طرف‌های ثالث به منظور پیشبرد تجارت با هدف دستیابی به صلح پایدار با اعضای شورای همکاری خلیج فارس که از افشای روابط خود با اسرائیل امتناع می‌کردند، برداشته شده بود. گفته می‌شود که روابط تجاری میان رژیم صهیونیستی و امارات از طریق واسطه‌ها در کشورهای ثالث و اغلب یک طرفه و از سمت این رژیم به امارات متحده بوده و تکنولوژی، جواهرات و الماس را شامل می‌شده است (Atradius, 2021.04.01).

در این میان، وساطت آمریکا در روابط تجاری پنهانی این رژیم و کشورهای عربی را نیز نباید نادیده گرفت. در پی توافق‌نامه تجارت آزاد که در سال ۲۰۰۴ با آمریکا به امضا رسید، روابط اسرائیل با شرکت‌های بحرینی با وساطت این کشور آغاز شد. به نقل از عبدالله حسن سیف وزیر وقت اقتصاد این کشور، اگرچه بحرین به‌عنوان یکی از کشورهای اتحادیه عرب، ناگزیر به تحریم اسرائیل بود اما پادشاه بحرین در مورد روابط تجاری با شرکت‌های اسرائیلی با وساطت آمریکا مخالفت نکرد (Becker, ۲۰۰۴, ۰۵, ۲۸). در مقابل، اسرائیلی‌ها نیز انعطاف‌پذیری بالایی از خود نشان می‌دادند به گونه‌ای که اختیار تصمیم‌گیری برای چارچوب و ماهیت ارتباطات را به عرب‌ها واگذار کرده بود: عرب‌ها «به دنبال رابطه با ما در قالب ابتکار عمل خودشان بودند. به‌عنوان مثال مؤسسات تحقیقاتی آنها ما را در گفتگوهای استراتژیک خود گنجانده و ما نیز از آن استقبال کردیم. از این رو روابط ما از اقتصاد، به تماس‌های دیپلماتیک و همچنین ارتباطات شخصی و مستقیم مقامات ارشد و افراد کلیدی ارتقا پیدا کرد. بازدیدها

و دیدارهای دو جانبه مخفی تا مشاوره‌های پزشکی و دوستی‌های صمیمانه، پایه‌های توافق ابراهیم را شکل داد» (Landau, 2020.09.04).

با اینکه اسرائیل گشاده‌دستانه، ظرفیت‌های امنیتی و اقتصادی و تا حدودی نظامی - تا جایی که برتری نظامی آن در منطقه لطمه نبیند - را به منظور پیشبرد هر چه موفق‌تر روابط مخفیانه با کشورهای عربی به آنها ارائه می‌داد اما هوشمندانه اهداف و مقاصد این رژیم نیز از طریق کانال‌های ارتباطی آن به پیش برده می‌شد. از این رو می‌توان گفت رویکرد حرفه‌ای و ماهرانه کانال‌های پیش‌برنده دیپلماسی پنهان، خود به‌مثابه یکی از ظرفیت‌های اسرائیل عمل می‌کرد. هوشیاری استراتژیک هیأت نمایندگی و دیپلمات‌های مستقر در کشورهای هدفی نظیر امارات و نیز هدفمندی پلان و برنامه‌ای که دیپلمات‌ها ملزم به اجرای آن بودند، تأثیر بسیاری بر پیشرفت دیپلماسی پنهان بر جا گذاشت. در این چارچوب، تلاش برای حضور اسرائیل در سطوح مختلف حداقلی، رسمی و غیر رسمی کشورهای هدف، به‌مثابه فرصت‌هایی قلمداد می‌شده است که می‌توانست به‌تدریج ظرفیت‌های قابل اعتنایی را در دیپلماسی پنهان این رژیم پدید آورد. این ظرفیت‌سازی گاه در بستر رویدادهایی نظیر افتتاح دفتر نمایندگی انرژی‌های تجدیدپذیر سازمان ملل در امارات یا شرکت در نمایشگاه‌های سالانه به پیش برده می‌شد و گاه نیز در بستر برآوردهای استراتژیک همگرایانه کشورهای عربی با این رژیم به وقوع پیوسته است. افتتاح دفتر نمایندگی انرژی‌های تجدیدپذیر سازمان ملل در ابوظبی به‌عنوان یک زیرساخت کارآمد، یکی از سازنده‌ترین تدابیر اسرائیل در پیشبرد دیپلماسی پنهان با امارات شمرده می‌شود. این رژیم در سال ۲۰۰۹، به استقرار دفتر انرژی‌های تجدیدپذیر در ابوظبی رأی مثبت داد به شرط آنکه اجازه تأسیس دفتر در این کشور را داشته باشد. دستاوردهای این تصمیم چند سال بعد یعنی در سال ۲۰۱۵، که دفتر نمایندگی اسرائیل در ابوظبی افتتاح شد، خود را نشان داد: «توافق این بود که ما در آنجا زیر نظر سازمان ملل کار کنیم اما یک تابلو و پرچم برای ما در نظر گرفته شد. این یک موفقیت غیر منتظره بزرگ برای ما بود». وزارت امور خارجه اسرائیل برای دفتر خود در ابوظبی که حضور دیپلماتیک رسمی در یک کشور عربی بدون روابط دیپلماتیک بود - هرچند از نگاه دیگران به‌عنوان یک پایگاه پیش پا افتاده و کم اهمیت سازمان ملل شمرده می‌شد - جایگاه ویژه‌ای قائل شد به گونه‌ای که این رویداد را گامی نو در رابطه با کشورهای عربی توصیف کرد و از آن با عنوان «رسوخ پیروزمندانه دیپلماتیک» نام برد (Timesofisrael, 2015.11.27). یکی از روزنامه‌های صهیونیستی در آن زمان به این مسئله اشاره کرد

و نوشت: «مأموریت اسرائیل در امارات چیزی فراتر از پل‌های خورشیدی است» (Hendrix, ۲۰۲۰, ۰۸, ۱۴).

شحام بن حیون یکی از رؤسای مهم هیأت نمایندگی اسرائیل در آژانس انرژی‌های تجدیدپذیر، در رابطه با نقش دیپلمات‌های صهیونیست در پیشبرد روابط می‌گوید:

«اسرائیل از راه‌اندازی آژانس در امارات حمایت کرد. وقتی دفتر سازمان ملل در امارات افتتاح شد به ما گزینه «حضور به عنوان هیأت تابع» را دادند. ما به عنوان هیأتی تحت نظارت یک سازمان بین‌المللی، طی سال‌ها با احتیاط و وسواس کامل به مأموریتی که داشتیم، پایبند بودیم و عاقلانه رفتار کردیم. هدف نخست ما این بود که بتوانیم تکنولوژی اسرائیل را برای انرژی‌های تجدیدپذیر و ساخت و سازهای سبز به کار بندیم. با این حال نقش دوم ما به عنوان دیپلمات، تلاش برای ادراک واقعی آن کشور بود. فرهنگ و اولویت‌های آن و هر آنچه برای آنها مهم بود و در مورد آن صحبت می‌شد و اینکه چگونه در مورد آن صحبت می‌کردند. برای پیشبرد هر رابطه‌ای لازم است که ادراک درستی از طرف مقابل و آنچه برای او مهم است، به دست آوریم. این چیزی نیست که فقط من به دنبال آن باشم، بلکه چیزی است که طرف مقابل نیز انتظار آن را دارد. حضور ما در آنجا امکان شناخت مستقیم و بلاواسطه سیستم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنها را به ما می‌داد. این فضا به ایجاد اعتماد متقابل برای گام بعدی کمک بسیاری کرد» (Landau, 2020.09.04).

در واقع دیپلمات‌های اسرائیلی، موظف بودند که به درک درستی از اولویت‌ها، مطالبات، نیازمندی‌ها، حوزه‌های مود علاقه و حساسیت‌های این کشورها دست یافته و آن را به سامانه تصمیم‌گیری این رژیم انتقال دهند. این اولویت‌ها می‌توانست پایه اطمینان‌بخشی برای روابط پایدار با آنها را در آینده فراهم سازد. در نتیجه این روند بود که اولویت‌هایی نظیر امنیت غذایی و توسعه اراضی کشاورزی (با توجه به بیابانی بودن منطقه) برای کشورهای همچون امارات و بحرین بسیار حائز اهمیت تشخیص داده شد؛ این حوزه‌ها بعدها به چارچوب‌های اساسی توافق‌نامه‌های دو جانبه در توافق ابراهیم و روند عادی‌سازی روابط تبدیل شدند (See: Attar & najafabadi, 2022).

بر همین اساس، مشارکت در پروژه‌های ادامه‌دار از شرکت در نمایشگاه‌های هنری گرفته تا حضور مداوم دیپلماتیک حتی به صورت حداقلی، به مثابه زیرساخت‌های عادی‌سازی روابط نگریسته می‌شد زیرا این گزینه به نقل از خود آنها در «دیپلماسی عمومی و تسخیر قلب ملت‌های آنان» تأثیر زیادی داشته است. آنها - به تعبیر کارگزاران این رژیم - «با حوصله و صبورانه»، گاه سال‌ها برای پیشبرد این

موضوعات به مذاکره پنهانی با طرف مقابل مشغول بودند تا از چالش انفصال لایه‌های اجتماعی از ساختار تصمیم‌گیری دولت‌های مصر و اردن برای برقراری رابطه با اسرائیل اجتناب کنند. دعوت از اسرائیل برای شرکت در نمایشگاه جهانی ۲۰۲۰ دبی، حاصل دو سال مذاکره مخفیانه با امارات توصیف شده است: «دعوت ما برای نمایشگاه جهانی دبی یا همان اکسپو دبی یکی از عناصر کلیدی زیرساخت‌هایی بود که ما به پیش برده بودیم. ما دو سال برای آن دعوت مذاکره کردیم». «در این نمایشگاه پرچم اسرائیل در بالای سر ولی عهد محمد بن زاید یکی از قدرتمندترین مردان امارات به اهتزاز درآمده بود. شاید تصادفی این تصویر به وجود آمده باشد اما قطعاً نمادین بود. پرچمی که در گذشته‌ای نه چندان دور اصلاً نمی‌توانست در این کشور برافراشته شود، اکنون در مرکز همه چیز قرار داده شده بود» (Zaken, 2021.10.04).

جایگاه برآوردهای استراتژیک منطقه‌ای و بین‌المللی کشورهای عربی در دیپلماسی پنهان اسرائیل نیز نشأت گرفته از شناسایی و پاسخ به موقع نیازهای استراتژیک این کشورها در بزنگاه‌های حساس سیاسی بوده است. در این چارچوب، مقابله با جمهوری اسلامی و تعریف آن به مثابه دشمن مشترک، یکی از نموده‌های همگرایی استراتژیک کشورهای عربی با اسرائیل بود که این رژیم در روند دیپلماسی پنهان خود بهره بسیاری از آن برد (مرادی کلارده، ۱۴۰۰: ۱۴۳-۱۴۴). تمایل کشورهای عربی به نزدیکی هر چه بیشتر به اسرائیل به‌ویژه پس از بروز انقلاب‌های عربی در منطقه، حضور ایران در سوریه در پی بحران داخلی این کشور و متعاقب آن توافق هسته‌ای قدرت‌های بزرگ با ایران، ناشی از نیاز حاکمان کشورهای عرب به پشتوانه سیاسی و نظامی سرسختی بود که از یک سو اقدامات احتمالی ایران علیه آنها را خنثی کند و از سوی دیگر، در صورت غیبت واشینگتن در جبهه کشورهای عربی علیه ایران، توازن منطقه‌ای را به سود آنها حفظ کند؛ نیازی که اسرائیل آن را به فرصتی برای بده‌بستان‌های تأثیرگذار سیاسی در روند دیپلماسی پنهان خود تبدیل کرد. دنی دانون سفیر این رژیم در سازمان ملل با اشاره به سفر رسمی بی‌سابقه‌ای که در سال ۲۰۱۶ با تمرکز بر موضوع ایران به دبی داشت، می‌گوید: «آنها بسیار دوستانه و آگاهانه رفتار کردند و به من گفتند ان شاء الله وقتی به اسرائیل بازگشتم، مقدمات کمک به آنها را آماده کنم... وقتی او با ما تصمیم گرفت که با مسئله هسته‌ای ایران کنار بیاید، کشورهای عربی را به ما نزدیک‌تر کرد. آنها احساس ناامیدی و رهاشدن می‌کردند. احساس اینکه آمریکا متحدین خود را [بدون حمایت] رها کرده است... تصمیم استراتژیک امارات و بحرین برای صلح با اسرائیل در راستای امنیت و اقتصاد آنها بوده است. وقتی دشمن مشترک، خطرناک و مصممی همچون ایران وجود دارد و شما

کشور کوچکی در آن منطقه هستید، باید تا آنجا که ممکن است، دیوارهای امنیتی بسازید و شریک پیدا کنید» (See: jpost, 2020.09.25; jpost, 2016.11.03; Washingtonpost, 2020.08.14).

نتیجه

اسرائیل در طول حیات سیاسی خود بارها از دیپلماسی پنهان برای دستیابی به اهداف و منافع امنیتی خود بهره گرفته اما پیشبرد دیپلماسی پنهان با امارات و بحرین که عادی‌سازی روابط موسوم به توافق ابراهیم را در پی داشت، از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. توافق ابراهیم قاعده بازی عرب‌ها با اسرائیل مبتنی بر عادی‌سازی روابط در ازای حل مسئله فلسطین را که چندین دهه بر روابط آنها حاکم بود، تغییر داد و فصل جدیدی از مناسبات منطقه‌ای را تعریف کرد. این توافق حاصل بیش از دو دهه دیپلماسی پنهان اسرائیل بود.

افسران اطلاعاتی، دیپلمات‌های حرفه‌ای و نخبه‌های اقتصادی مهم‌ترین کانال‌هایی بوده‌اند که این رژیم از طریق آنها، دیپلماسی پنهان خود را در قبال کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به کار گرفته است. روابط امنیتی و اطلاعاتی، پیوندهای اقتصادی و رویدادهای دیپلماتیک، بسترهایی بوده‌اند که اسرائیل ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خود را در آنها به کار گرفته تا دیپلماسی پنهان خود را در این دو دهه فعالانه تداوم دهد. در میان این ظرفیت‌ها، اقتصاد از جایگاه قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده است. اهمیت روابط تجاری و اقتصادی نه تنها در جریان دیپلماسی پنهان چند دهه‌ای آنها بلکه یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های امضای توافق و نیز تداوم توافق ابراهیم به شمار می‌آید.^۱

پایبندی و تعهد دیپلمات‌ها و افسران اطلاعاتی اسرائیل به شناخت دقیق دولت‌ها و نیز فرهنگ سیاسی، سیستم اجتماعی، اولویت‌ها و حساسیت‌های کشورهای عربی به‌ویژه امارات و بحرین و انتقال آنها به نخبگان فکری تصمیم‌گیر و همچنین انعطاف‌پذیری در مقابل مطالبات و خواسته‌های آنها، یکی از مهم‌ترین راهبردها برای پیشبرد دیپلماسی پنهان این رژیم بوده است.

۱ - شموئل بار یکی از افسران اطلاعاتی سابق این رژیم که در حال حاضر مالک یک شرکت در حوزه نرم‌افزار بوده و با بسیاری از کشورهای عربی در حال تجارت است، پس از تنش این رژیم با حماس در نوار غزه که بعد از امضای توافق روی داد، می‌گوید: «هیچ چیز تغییر نکرد. من نشنیده‌ام که کسی بگوید تنش‌های اخیر بر معاملات تجاری تأثیر داشته است. هیچکس برای لغو معامله با من تماس نگرفت. من حداقل ۱۵ پیام واتس‌آپی از مخاطبین خود در نقاط مختلف جهان عرب داشتم که با نگرانی جویای حال من شده و امیدوار بودند در حملات موشکی و راکتی فلسطینی‌ها آسیب نبینم» (Anchal Vohra, Foreignpolicy, 2021.06.08).

با اینکه به واسطه پیشبرد مؤثر دیپلماسی پنهان، اسرائیل به توافق ابراهیم به مثابه یکی از دستاوردهای مهم دیپلماتیک دست پیدا کرد اما کاستی‌های این توافق نظیر غفلت از مسئله فلسطین، یادآور این نکته است که برای حل تنش‌ها و بحران‌های دیپلماتیک نمی‌توان صرفاً به دیپلماسی پنهان امید بست و ضرورت انجام برخی بایسته‌ها و پیش‌نیازهای عملی - برای دستیابی به هدف به گونه پایدار - را نادیده انگاشت.

مسئله فلسطین موضوع اصلی تعارض و اختلاف چند دهه‌ای میان اسرائیل و کشورهای عربی بوده و همچنان یکی از نقاط چالش برانگیز بنیادین در گفتمان عمومی ملت‌های عرب به شمار می‌رود. با این حال فلسطین به عنوان موضوع اصلی اختلاف، عنصر مفقود در دیپلماسی پنهان این رژیم بود که به صورت عامدانه مغفول ماند و در روند مذاکرات و در جریان توافق طرفین، هیچ گونه تفاهم سازنده‌ای در مورد آن صورت نگرفت. هر چند اسرائیل توافق ابراهیم را روند عادی‌سازی روابط خود با کشورهای عربی بدون نیاز به حل مسئله فلسطین بازنمایی کرده اما زوایای این مسئله پیچیده‌تر از این ادعاست. به نظر می‌رسد روند تنش‌های میان رژیم صهیونیستی با فلسطینی‌ها به ویژه در کرانه باختری و در مورد موضوعات حساسیت برانگیزی همچون مسجدالاقصی، چالش‌های سیاسی فزاینده‌تری را برای امضا کنندگان توافق ابراهیم در پی داشته باشد.^۱

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- احمدی، وحیده (۱۳۹۶)، «اسرائیل و کشورهای پیرامونی؛ نفوذ امنیتی با پوشش اقتصادی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۲۰، شماره ۲، تابستان، صص ۱۱۳-۱۳۵.
- ۲- احمدی، وحیده (۱۳۹۸)، «رونمایی از «معامله قرن» و دلایل شکست طرح ترامپ»، دیده‌بان امنیت ملی، شماره ۹۵، پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص ۸۹-۱۰۱.
- ۳- احمدی، وحیده (۱۳۹۸)، «نشست منامه، چالش‌ها، نتایج و الزامات دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران»، دیده‌بان امنیت ملی، شماره ۸۸، پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص ۱۱۱-۱۰۱.
- ۴- احمدی، وحیده (۱۴۰۱)، «آیة «فرزندان ابراهیم»: نمودها و دلالت‌های آن برای جمهوری اسلامی»، دیده‌بان امنیت ملی، شماره ۱۲۶، پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص ۱۳۵-۱۴۷.
- ۵- اختیاری امیری، رضا (۱۴۰۰)، «دیپلماسی صلح عبری-عربی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات خاورمیانه، سال ۲۸، شماره چهارم، پیاپی ۱۰۶، صص ۳۱-۴۶.

^۱ See: Shanahan, 2021.05.14

- ۶- بیولا، کارنیلو و موری استوارت (۱۴۰۱)، دیپلماسی پنهان: مفاهیم و زمینه‌ها، ترجمه مهدی میرمحمدی و کاظم تاجیک، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۷- تاجیک، کاظم؛ علی اصغر کاظمی‌زند، مهدی ذاکریان امیری و کیهان برزگر (۱۳۹۸)، «دیپلماسی‌های جایگزین و گزینش نقطه بهینه محرمانگی در مراودات دیپلماتیک»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیست و دوم، شماره چهارم، زمستان، صص ۱۵۵-۲۰۸.
- ۸- تاجیک، کاظم؛ علی‌اصغر کاظمی‌زند و کیهان برزگر (۱۳۹۸)، «محرمانگی در دیپلماسی؛ تحولات و چشم‌انداز»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیست و دوم، شماره دوم، تابستان، صص ۱۶۵-۱۹۲.
- ۹- سالنمای امنیت ملی (۱۴۰۰)، جلد دوم: بخش خارجی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره یازدهم، صص ۳۷۹-۳۸۲.
- ۱۰- سجادی‌پور، محمدکاظم (۱۳۸۹)، تحول در دیپلماسی: پیدایش، پویش و پوشش، در کتاب: تحول مفاهیم در روابط بین‌الملل، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۱- قادری کنگاوری، روح‌الله (۱۴۰۲)، «تبیین نسبت میان اطلاعات و دیپلماسی در سیاست خارجی مردم‌سالار؛ با تأکید بر مفهوم دیپلماسی پنهان»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیست و ششم، شماره اول، بهار، صص ۱۲۳-۱۵۰.
- ۱۲- قادری کنگاوری، روح‌الله و قدیر نظامی‌پور (۱۴۰۱)، «ماهیت و ابعاد دیپلماسی پنهان در تنگنای مناظره محرمانگی-شفافیت با تأکید بر نقش سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی»، فصلنامه علمی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، سال دوازدهم، شماره ۴۹، زمستان، صص ۲۱۳-۲۴۸.
- ۱۳- مرادی کلارده، سجاد (۱۳۹۹)، «تحلیلی بر تلاش‌های عربستان و اسرائیل در مقابله با ایران (۲۰۱۲-۲۰۱۸)»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ۲۷، شماره ۳، پیاپی ۱۰۱، صص ۱۲۷-۱۵۷.

منابع غیرفارسی

- ۱- 60 Israeli Special Forces enter Bahrain (2017), at: <https://www.almasdarnews.com/article/60-israeli-special-forces-enter-bahrain>
- ۲- Ahren, Raphael (2019.06.29), At economic peace summit, being an Israeli in Bahrain feels almost normal, <https://www.timesofisrael.com/at-economic-peace-summit-being-an-israeli-in-bahrain-feels-almost-normal/>
- ۳- Alon, Yoav (2014), "Friends Indeed or Accomplices in Need? The Jewish Agency, Emir Abdullah and The Shaykhs of Transjordan, 1922-39" In Clive Jones & Tore T. Petersen, *Israel's Clandestine Diplomacies*, Oxford University Press.
- ۴- Alterman, Jon B. (2020.08.14), The Normalization of UAE-Israel Relations, <https://www.csis.org/analysis/normalization-uae-israel-relations>
- ۵- Becker, Elizabeth (2004.05.28), U.S. and Bahrain Reach a Free Trade Agreement, at: <http://www.nytimes.com/2004/05/28/business/us-and-bahrain-reach-a-free-trade-agreement.html>
- ۶- Belkin, Paul (2007), "Congressional Research Service: Germany's Relations with Israel: Background and Implications for German Middle East Policy, Jan 19, 2007. (page CRS-2), at: <https://sgp.fas.org/crs/row/RL33808.pdf>

- ۷- Bialer, Uri (2014), "The Power of the Weak: Israel's Secret Oil Diplomacy, 1948-1957", In Clive Jones & Tore T. Petersen, *Israel's Clandestine Diplomacies*, Oxford University Press.
- ۸- Hendrix, Steve (2020.08.14), Inside the secret-not-secret courtship between Israel and the United Arab Emirates, at: https://www.washingtonpost.com/world/middle_east/inside-the-secret-not-secret-courtship-between-israel-and-the-united-arab-emirates/2020/08/14/3881d408-de26-11ea-b4f1-25b762cddb4_story.html
- ۹- In diplomatic first, Israel to open mission in Abu Dhabi (2015.12.27), at: <http://www.timesofisrael.com/in-diplomatic-first-israel-to-open-mission-in-abu-dhabi>
- ۱۰- In rare formal visit, Israeli official attends anti-Iran conference in Bahrain (2019.10.29), at: <https://www.timesofisrael.com/in-rare-formal-visit-israeli-official-attends-anti-iran-bahrain-conference/>
- ۱۱- Israel - UAE trade normalization (2021.04.01), at: <https://group.atradius.com/publications/economic-research/israel-uae-trade-relations.html>.
- ۱۲- Israeli MDs fly to enemy Sudan in failed bid to save diplomat behind secret ties (2020.05.28), at: <https://www.timesofisrael.com/tv-israel-sent-doctors-to-sudan-in-bid-to-save-diplomat-behind-secret-tieS/>
- ۱۳- Jones, Clive (2014), "Influence Without Power? Britain, The Jewish Agency and Intelligence Collaboration, 1939-45" In Clive Jones & Tore T. Petersen, *Israel's Clandestine Diplomacies*, Oxford University Press.
- ۱۴- Lake, Eli (2020.08.14), Why UAE chose to normalise diplomatic relations with Israel, at: <https://theprint.in/diplomacy/why-uae-chose-to-normalise-diplomatic-relations-with-israel/481467/>
- ۱۵- Landau, Noa (2020.09.04), Israel-UAE Deal Brings 25 Years of Covert Diplomacy Out of the Shadows, <https://www.haaretz.com/israel-news/.premium-israel-uae-deal-brings-25-years-of-covert-cooperation-out-of-the-shadows-1.9127412>
- ۱۶- Melman, Yossi (2011.04.08), Haaretz Wikileaks Exclusive Bahrain King Boasted of Intelligence Ties With Israel, at: <https://www.haaretz.com/2011-04-08/ty-article/haaretz-wikileaks-exclusive-bahrain-king-boasted-of-intelligence-ties-with-israel/0000017f-dc64-df62-a9ff-dcf7fe2d0000>
- ۱۷- Mohamed, Mohamed K (2017.03.31), Open Secrets: The UAE's Deals with Israel, at: <https://lobelog.com/open-secrets-the-uaes-deals-with-israel/>
- ۱۸- Ravid, Barak (2020.04.30), West Bank annexations must come in context of Palestinian state, White House tells Israel, at: <https://www.axios.com/israel-west-bank-annexation-netanyahu-trump-plan-0e84d62c-9362-42fa-91da-3a6b89947750.html>
- ۱۹- Ronen, Yehudit (2014), "Israel's Clandestine Diplomacy with Sudan: Two Rounds of Extraordinary Collaboration", In Clive Jones & Tore T. Petersen, *Israel's Clandestine Diplomacies*, Oxford University Press.
- ۲۰- Schonmann, Noa (2014), "Back-Door Diplomacy: The Mistress Syndrome in Israel's Relations with Turkey, 1957-60", In Clive Jones & Tore T. Petersen, *Israel's Clandestine Diplomacies*, Oxford University Press.
- ۲۱- Shanahan, Rodger (2021.05.14), The challenge to the Abraham Accords, at: <https://www.lowyinstitute.org/the-interpreter/challenge-abraham-accords>
- ۲۲- There will be 500 Israeli companies in UAE by the end of 2020, at: <https://www.middleeastmonitor.com/20201014-there-will-be-500-israeli-companies-in-uae-by-the-end-of-2020/> (2020.10.14)
- ۲۳- Ur Rehman, Aziz (2020), Causes behind the Abraham Accord and its consequences for the Peace Process in the Middle East, *The Middle East Journal*, Volume 2, No.4 (December):73-83

- ۲۴- Vohra, Anchal (2021.06.08), The Abraham Accords Passed Their First Big Test, at: <https://foreignpolicy.com/2021/06/08/the-abraham-accords-passed-their-first-big-test/>
- ۲۵- Whats behind the relationship between srael and arab gulf states,at: <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2019/01/28/>
- ۲۶- Yahel, Ido (2016), Covert Diplomacy Between Israel and Egypt During Nasser Rule: 1952-1970, at: <https://journals.sagepub.com/doi/pdf/10.1177/2158244016667449>
- ۲۷- Zaken, Danny (2021.10.04), Israel's participation in Dubai expo signals huge trade potential, at: <https://www.al-monitor.com/originals/2021/10/israels-participation-dubai-expo-signals-huge-trade-potential#ixzz873pwIBqd>

